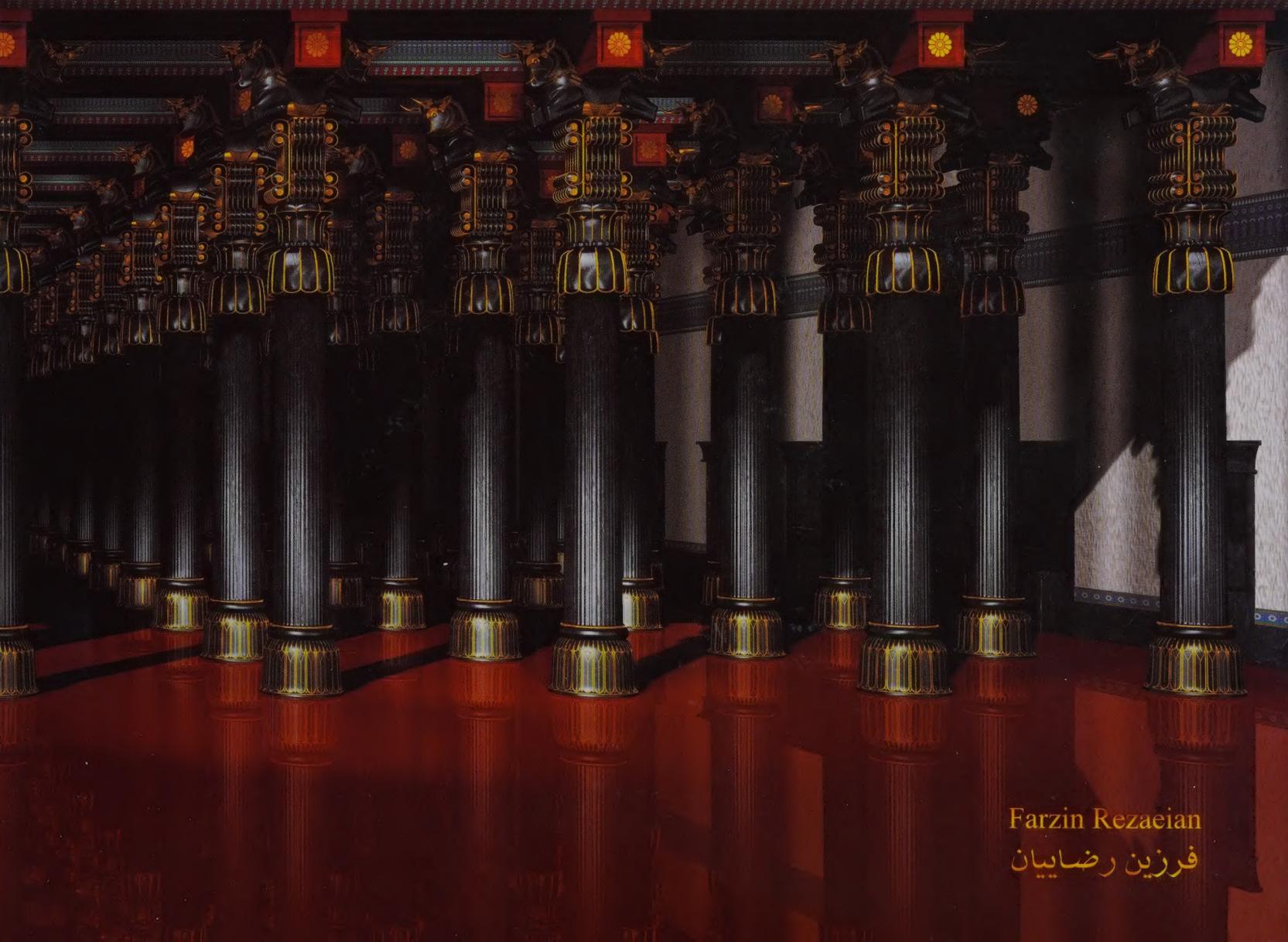


# Persepolis Recreated

سکوی خسرو



Farzin Rezaeian  
فرزین رضاییان







بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

Dedicated to:

The many scholars and artists who devoted their works to illustrate the unique Iranian culture and civilization to the world; especially Professor Friedrich Krefter, Giuseppe and Ann Britt Tilia and Dr. Shapur Shahbazi, whose precise designs and valuable works made the 3-dimensional reconstruction of Persepolis possible.

تقدیم به:

همه اندیشمندان و هنر آفرینانی که در جهت اعتلا و معرفی میراث بی همتای تمدن و فرهنگ ایران کوشیده اند. به ویژه پروفسور فردریش کرفتر، خانم و آقای تیلیا و دکتر شاپور شهبازی که بدون طرحها و مطالب ارزشمند این اساتید کرانقد، بازآفرینی و به تصویر کشیدن سه بعدی تخت جمشید، ناممکن بود.



Great god is Ahuramazda  
Who created this earth  
Who created that heaven  
Who created man  
Who created happiness for man

خدای بزرگ اهورامزداست  
که این زمین را آفرید  
که آن آسمان را آفرید  
که مردم را آفرید  
و برای مردمان شادمانی را آفرید...

ISBN: 964-06-4525-7

No part of this book may be reproduced in any form or by  
any means without the written permission of the publisher.

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به شرکت طلوع ابتكارات تصویری می باشد.  
استفاده از تصاویر بدون اجازه ناشر (شرکت طلوع ابتكارات تصویری)  
ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

مؤلف و پدیدآورنده: فرزین رضاییان  
طراحی تصاویر و گرافیک کامپیوتری:  
مرتضی یاهو، میثم کشاورز، محسن شریعتی  
لیتوگرافی: کحالی  
مدیریت و برنامه ریزی چاپ ترانسپارانت:  
انتشارات دایره سبز- حمید متواضع  
چاپ: ایوان  
صاحبی: تهرانی  
چاپ ششم: پاییز ۱۳۹۰  
تیراز: ۵۰۰۰ نسخه  
شابک: ۹۶۴۰۶-۴۵۲۵-۷  
مرکز فروش: خانه فرهنگ و هنر گویا  
تهران، خیابان کریمخان زند، پلاک ۱۳۸ تلفن: ۸۸۳۱۳۴۲۱  
دورنگار: ۸۸۸۴۲۹۷۸  
قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال

رضاییان، فرزین، ۱۳۳۹ -  
شکوه تخت جمشید =  
مولف و گردآورنده: فرزین رضاییان طراحی تصاویر و گرافیک کامپیوتری  
تهران: شرکت طلوع ابتكارات تصویری، ۱۳۸۳. مرتضی یاهو، میثم کشاورز.  
ص.: مصور (رنگی). ۷۲

ISBN 964-06-4525-7

فهرستنويسي براساس اطلاعات فيبا.  
پشت جلد به انگلیسي:

Farzin Rezaeian  
Persepolis recreated.

انگلیسي - فارسي.

۱. تخت جمشید. ۲. تخت جمشید -- مصور. ۳. شيراز  
- آثار تاریخی. الف. عنوان.

۹۵۵/۶۳۷۰۴ عر۲/DSR۵۵

۸۳-۵۶۹۱ م

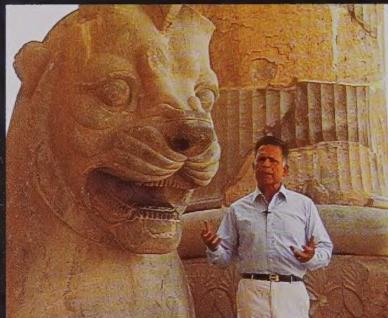
كتابخانه ملي ايران

Persepolis Recreated

شکوه خمسه



# Advance praise for “Persepolis Recreated”



## Prof. A. Shapur Shahbazi

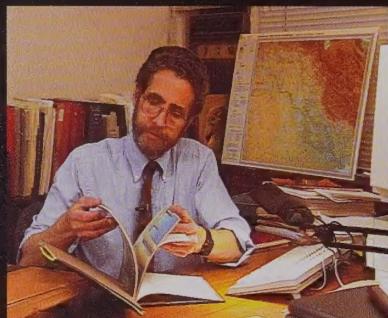
Achaemenid era specialist & Professor of History, Eastern Oregon University

*“This is the first successful attempt to reveal the magnificence of Persepolitan palaces as they were 2500 years ago. It is a timely and excellent book.”*

## پروفسور علیرضا شاپور شهبازی

متخصص بر جسته دوران هخامنشی و استاد تاریخ در دانشگاه ایسترن اورگان آمریکا:

”این کتاب اولین اقدام موفق در نمایاندن عظمت و شکوه کاخهای تخت جمشید آن گونه که در ۲۵۰۰ سال پیش بوده اند، هی باشد. کتابی بهنگام و سرآمد“



## Prof. Matthew Stolper

The Oriental Institute of the University of Chicago

[This work has] “Quite spectacular pictures.”

## پروفسور ماتیو استلپر

استاد تاریخ زبان های باستان در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو آمریکا:

”این کتاب حاوی“ تصاویری بسیار شکوه ای است“



## Prof. Roger S. Moorey

Ashmolean Museum, Oxford University

*“This remarkable, long overdue attempt to recreate the atmosphere of Persepolis, particularly its vast scale and use of colour, is to be warmly welcomed.”*

## پروفسور راجر موری

موزه آشمولین دانشگاه آکسفورد انگلستان:

”از این اقدام بی نظیر در بازآفرینی فضای تخت جمشید به ویژه در این ابعاد و به صورت رنگی که سالیان سال منتظر آن بوده ایم به گرمی استقبال خواهد شد.“

# ”شکوه تخت جمشید“ از دید اساتید

## Prof. Richard Frye

Harvard University

”3-dimensional presentation with overlay to show the original plan is excellent.“

### پروفسور ریچارد فرای

استاد ایران شناسی دانشگاه هاروارد

”عرضه سه بعدی تصاویر و استقاده از طلاق برای نمایش وضعیت اصلی تخت جمشید روشی است بسیار عالی“



## Prof. Abbas Alizadeh

The Oriental Institute of the University of Chicago

”Congratulations on finishing this monumental task. The result is a rich tapestry of Persian Achaemenid art and architecture in their finest examples.“

### پروفسور عباس علیزاده

استاد باستان شناسی در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو آمریکا

”تبریک به مناسبت به پایان رساندن این کار با شکوه و به یاد ماندنی. نتیجه، کاری است

بسیار غنی که بهترین نمونه های هنر و معماری هخامنشیان را به تصویر کشیده است“



## Prof. Remi Boucharlat

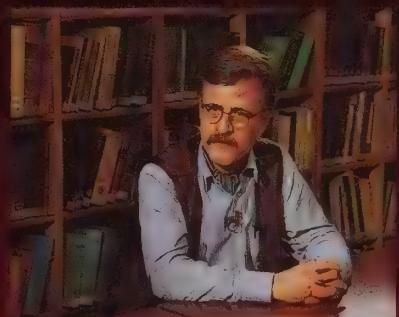
National Center of Scientific Research, France

”Persepolis is no longer in gray; recreated in colour as it was in its splendor.“

### پروفسور رمی بوشارل

باستان شناس و عضو مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه

”بالآخره تخت جمشید از رنگ خاکستری بدر آمد و دوباره رنگ دوران عظمت و شکوه خود را بازیافت“





**A** The Entrance Staircase  
پلکان ورودی

**B** The Gate of All Nations  
دروازه ملل

**C** Apadana, The Audience Hall  
کاخ آپادانا

**D** The Tripylon Palace  
کاخ سه دروازه

**E** The Tachara Palace  
کاخ تجر

**F** The Hadish Palace  
کاخ هدیش

**G** The Queen's Palace  
کاخ ملکه (حرمسرا)

**H** The Hundred Column Hall  
کاخ صدستون

**I** The Treasury  
خزانه

**J** The Unfinished Gate  
دروازه نیمه تمام

**K** Fortifications  
استحکامات

## Contents

## فهرست

12	Preface	دیباچه	۹
15	Introduction: A Vast and Complex Empire	مقدمه: اولین امپراتوری جهانی	۱۳
17	Map of the Empire	نقشه امپراتوری	۱۵
18	Persepolis: "The Richest City Under the Sun"	"پارسه غنی‌ترین شهر زیر آفتاب بود"	۱۶
20	The Entrance Staircase	پلکان و رودی	۱۸
22	The Gate of All Nations	دروازه ملل	۲۰
24	The Welcoming Hall	تالار انتظار	۲۲
26	Towards Apadana: The Great Audience Hall	به سوی کاخ آپادانا	۲۴
28	The Gigantic Apadana Doorways	درهای عظیم	۲۶
30	The Columns and Capitals of Apadana	ستون ها و سرستون های آپادانا	۲۸
32	The Lion Capitals of Eastern Portico	سرستونهای ایوان شرقی	۳۰
34	The Royal Audience & Parade of Nations	آغاز بار عام شاهی	۳۲
44	Peace at Persepolis	صلح و دوستی در تخت جمشید	۴۲
45	Tripylon	کاخ سه دروازه یا تالار شورا	۴۳
48	Tachara: Private Palace of Darius	کاخ اختصاصی داریوش: تخر	۴۶
50	Tachara or The Hall of Mirrors	کاخ تخر یا تالار آینه	۴۸
52	The Hadish	کاخ هدیش	۵۰
54	The Queen's Palace	کاخ ملکه	۵۲
56	Towards the One Hundred Column Hall	به سوی کاخ صد ستون	۵۴
60	The Treasury	خزانه	۵۸
62	The Builders of Persepolis	سازندگان تخت جمشید	۶۰
63	The Unfinished Gate	دروازه ناتمام	۶۱
64	Harmony at Persepolis	معماری همگون	۶۲
66	Persepolis Inferno	تخت جمشید در آتش	۶۴
68	Persepolis Forever	جاودانگی تخت جمشید	۶۶
70	Credits & Acknowledgements	سپاسگزاری	۶۸
71	The Creators of "Persepolis Recreated"	آفرینندگان "شکوه تخت جمشید"	۶۹

اینست همان ایوان کز نقش رخ مردم  
اینست همان صفه کز هیبت او بردى  
پتدار همان عهد است از دیده فکرت بین

خاک در او بودی دیوار نگارستان  
بر شیر فلک حمله شیر تن شادروان  
در سلسله درگه در کوکه میدان  
خاقانی



## که یکی هست و هیچ نیست جز او ...

قرن‌هاست که ویرانه‌های تخت جمشید با ستونهای ستر و عظیمش چشمان هر بازدید کننده‌ای را خیره ساخته و غرور و تعجب را در آن‌هابرانگیخته است؛ غرور از داشتن میراثی چنین گرانقدر و با شکوه و تعجب از اینکه چگونه و با چه همتی این کاخهای عظیم در ۲۵۰۰ سال پیش بنا شده‌اند. ولی شاید مهمترین پرسش برای همگان این است که این ویرانه‌ها، پیش از آتش سوزی مهیب اسکندر، یعنی در زمان اوج شکوه و عظمت خود، چگونه بوده و چه شکلی داشته‌اند؟

کتاب حاضر تلاشی ابست در پاسخگویی به این پرسش بنیادین.

با توجه به تخریب تدیریجی این بنا‌ها در طول قرنها و اطلاعات محدودی که از جزییات ساختمانها و نوع تزیینات و رنگ آمیزی آنها در دست است، این امر در ابتدای سیار مشکل می‌نمود. با اینحال در یک دهه گذشته فرصت مغتنمی پیش آمد تا در مورد دوران خامنی‌شی که بی‌شک یکی از درخشانترین دوره‌های تاریخی ایران و جهان است و همچنین تخت جمشید که مهمترین اثر بجای مانده از آن دوران است مطالب مفیدی گردآوری کرده و از محضر استادان بزرگی که امکان گفتوگوی حضوری و مصاحبه اختصاصی را به من دادند بهره و افروزی ببرم. از جمله:

دکتر جان کرتیس در موزه‌ی بربیتانیا (سال ۱۳۷۲)

دکتر راجر موری در موزه‌ی آشمولین دانشگاه آکسفورد (۱۳۷۲)

دکتر ولفرام کلاسیس در موزه‌ی باستان‌شناسی برلین (۱۳۷۲)

دکتر بوریس بارشاک در موزه‌ی آرمیتاژ در سن پترزبورگ روسیه (۱۳۷۲)

دکتر ژان پرو و پروفسور پیر آمیه در موزه‌ی لوور (۱۳۷۷)

سرکار خانم دکتر پرودنس هارپر در موزه‌ی هنر متروپولیتن نیویورک (۱۳۷۷)

دکتر عباس علیزاده و دکتر ماتیو استلپر در موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو (۱۳۷۷)

پروفسور ریچارد فرای در تخت جمشید و متعاقباً در دانشگاه هاروارد (۱۳۷۷)

دکتر دیوید استروناخ در ایران (۱۳۷۷)

دکتر علیرضا شاپور شهبازی در تهران و تخت جمشید (سال ۱۳۸۱)

و بالاخره دکتر رمی بوشارل در تهران و تخت جمشید (سال ۱۳۸۲)

در اینجا با عرض ارادت و ارسال سلامی گرم، از یکایک این عزیزان سپاسگزاری و قدردانی می‌کنم.

گر به سر منزل سلمی رسی ای باد صبا  
چشم دارم که سلامی برسانی ز منش  
حافظ

با اینکه نقطه نظرات استادان و سرورانی که درباره‌ی تصاویر بازسازی شده تخت جمشید اظهار نظر فرمودند بسیار راهگشا و آموزنده بود، با این حال طبیعی بود که در برخی موارد اتفاق نظر قطعی وجود نداشته باشد. به همین دلیل در بازسازیها و طراحی‌ها به مواردی بستنده نمودیم که اتفاق نظر بیشتری در موردشان وجود داشت.

متند نقشی ندارد این سرا  
که مثالی و انمایم مر ترا  
مولانا

ناگفته بیداست که درسایر بازآفرینی‌ها از نیروی تخیل و یا به گفته خاقانی از "دیده فکرت بین" مدد جسته ایم. به همین دلیل هر گونه کمبود و نارسانی احتمالی در این زمینه متوجه نگارنده و همکاران وی در شرکت طلوع ابتكارات تصویری است که ماراییش از پیش چشم برآه نقطه نظرات استادان و صاحب‌نظران محترم می‌نماید. در اینجا جا دارد تا از جناب آقای دکتر عباس علیزاده که در طول مسیر راهنما و راهگشای ما بودند و همچنین جناب آقای مهندس محمد بهشتی ریاست محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، آقای مهندس محمد حسن طالبیان رئیس بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد، آقای محمدرضا ریاضی رئیس کتابخانه موزه ملی ایران و کلیه عزیزانی که در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و به ویژه در تخت جمشید ما را در تهیه این کتاب و فیلم مربوطه یاری رساندند، تشکر و قدردانی نمایم.

## Preface

Seized and burned by Alexander the Great's conquering army, shaken by uncounted earthquakes, eroded by 25 centuries of rain, fluctuating temperatures and scouring winds, Persepolis—the greatest of the royal residences of Persia—is still a remarkable ancient ruin.

Yet, the place remains an awesomely impressive sight 2,500 years after it was built.

Even today those who step up to this gigantic terrace of 125,000 square meters and see its remnant yet majestic columns, are filled with a sense of awe drifting into a dream-like trance.

A dream in which one tries to visualize the beauty and dazzling splendor of Persepolitan Palaces before their sad destruction.

The present package, containing this book and its companion documentary film is an attempt to make this dream come true.

Nevertheless, the limited available sources on the original buildings and their ornamentation as well as the drastic damage the structures have suffered throughout ages, made this task to seem very arduous in the beginning. However, thanks to the recent works by some of the most renowned archaeologists and experts of Achaemenid art and history, who generously shared their valuable knowledge on different occasions and through personal interviews, the elements for recreating the splendor of Persepolis became more evident.

In this respect, I am immensely indebted to:

- Dr. John Curtis, at the British Museum, 1993
- Dr. Roger S. Moorey, at the Ashmolean Museum, Oxford University, 1993
- Dr. Boris Barshak, at the Hermitage Museum, Saint Petersburg, 1993
- Dr. Jean Perrot and Prof. Pierre Amiet, at the Louvre, 1997
- Dr. Prudence Harper, at the Metropolitan Museum of Art, New York, 1998
- Dr. Abbas Alizadeh and Dr. Matthew Stolper, at the Oriental Institute of the University of Chicago, 1998
- Prof. Richard Frye, at Persepolis and Harvard University, 1998
- Dr. David Stronach, in Iran, 1998
- Dr. A. Shapur Shahbazi, in Tehran and at Persepolis, 2002
- Dr. Remi Boucharlat, in Tehran and at Persepolis, 2003

I am extremely grateful for the extraordinary generosity with which they shared their knowledge and for their interest and support. The guidelines and views of these scholars to portray a "recreated Persepolis" were quite enlightening. However, it was only natural that consensus would not prevail in all aspects of reconstruction. Therefore, in a concise work such as this, we have concentrated on those parts that are predominantly more acceptable and also the parts which are visually more illuminating. Needless to say that any inaccuracies or inadequacies are the sole responsibility of myself and my colleagues at Sunrise Visual Innovations Ltd.

I would like to express my heart-felt gratitude to all the individuals and institutions who assisted us in the production of this book and its companion film. Perhaps now, with their valuable contribution and bits and pieces of information gathered, we can, in the words of Omar Khayyam, "*Re-mold it nearer to the Heart's Desire*" and make a dream come true.

Could you and I with Him conspire  
Would not we shatter it to bits - and then

To grasp this sorry scheme of things entire,  
Remold it nearer to the Heart's Desire!

Omar Khayyam







## اولین امپراتوری جهانی

### Introduction

Achaemenid Persia occupies a very important place among the great civilizations of the ancient world.

In 550 BC, Cyrus, one of those rare leaders towards whom one cannot help but gravitate, laid the foundation of the largest empire the world had ever seen. His empire was quite unique because it was built on a model of tolerance and respect for other cultures and religions. So much so that the Old Testament regards Cyrus as the savior of the Jews from Babylonian captivity; while Xenophon, the 4th century BC Greek historian, refers to him as *a man of wisdom, resilient spirit and guilelessness*.

Cyrus was also famous throughout the ancient world for his love of gardens. Recent excavations at his capital city *Pasargadae* and the discovery of irrigation canals for his vast royal gardens support this fact. His gardens were called 'paradaisa' where life grew and water was the essence of life. From the Persian word 'paradaisa' we have inherited the evocative word "paradise" in English.

After Cyrus, Darius the Great elevated the Persian Empire to its zenith.

دوران هخامنشی یکی از درخشانترین دوره های تاریخی ایران و جهان است. بنیانگذار سلسله هخامنشی کوروش بزرگ بود که در تورات به منزله نجات دهنده قوم یهود از یوگ اسارت بابلیان معرفی شده و برخی از پژوهشگران مسلمان نیز او را بانو القرینین در قرآن، یکی دانسته اند.

گنگون مورخ یونانی سده چهارم پیش از میلاد هم او را "فردی پا در ایست" می ریا و اهل راستی که همکان را مجدوب خویش می ساخته" معرفی کرده است. کوروش که در واقع شهربیار قبایل پارس بود، در سده ششم پیش از میلاد با هم پیمان ساختن اقوام اریایی تبار پارس و ماد و با هوشمندی خارق العاده ای توانست بزرگترین امپراتوری جهان آنروز را پایه گذاری کند.

او که به سرسبزی و حرمتی نیز عشق می ورزید پایتخت خود یعنی پاسارگاد را به صورت یک پاگشهر آباد و زیبا موسوم به "پرdis" درآورد. واژه های "پرdis" در عربی و "پارادایز" در انگلیسی هر دو برگرفته از همان واژه "پرdis" اند. هامشینان به تبعیت از آئین زرتشت عناصر طبیعی همچون آب، باد، خاک و آتش را محترم و مقدس می شمردند؛ اما آنها را نمی پرستیدند. بلکه همانطور که در کتاب حماسی ایران، یعنی شاهنامه بیان شده، پرستنده بیزدان پاک بودند.

نیا را همی بود آیین و کیش  
نگویی که آتش پرستان پند  
در آنگه بدی آتش خوبرنگ

پرستنده ایزدی بود پیش  
پرستنده پاک بیزدان پند  
چو مر تاریان راست محراب سنگ

پس از کوروش، داریوش بزرگ امپراتوری هخامنشی را به اوج قدرت و وسعت خود رساند.

این امپراتوری از یکسواز هند تا مرزهای یونان و از سوی دیگر از مصر تا جنوب روسیه امروزی گسترش داشت. به طوریکه مرزهای شرقی و غربی آن ۵۰۰ کیلومتر از هم فاصله داشتند.

برای اداره این سرزمین پهناور که ۲۸۰ ملیت کوناگون را در بر می گرفت اقدامات بی نظیری انجام یافت. نخست به گفته هرودت این امپراتوری به ۲۰ استان یا ساتراپی تقسیم شد که هر کدام را یک حکمران که از مرکز فرمان می گرفت اداره می کرد. با اینحال اهالی این ساتراپی ها در اداره ای امور و انجام آیین های مذهبی و فرهنگی خود آزاد بودند.

در زمان داریوش خط میخی پارسی ابداع شد و در کنار خطوط عیلامی و بابلی مور استفاده قرار گرفت. همچنین برای اولین بار در ایران سکه طلا و نقره ضرب و رایج گردید.

از کارهای فوق العاده دیگر در زمان داریوش اجرای طرحهای عظیم مهندسی بود، مانند ایجاد ترکهای در مصر که رود نیل را به دریای سرخ پیوند می داد و در واقع پیشکام کanal سوئز امروزی بود.

از این مهمتر احداث شاهراهی به طول ۲۶ کیلومتر بود که شوش را به سارديس در فردیکی سواحل مدیترانه متصل می ساخت. در طول این بزرگراه، استراحتگاهها و ایستگاههای خاصی نیز احداث شده بود که امروز تجارت و همچنین ایجاد ارتباط و رساندن نامه ها تو سط چاپارهای تندرو را سرعت خارق العاده ای بخشیده بود.

شاهان هخامنشی به جای یک پایتخت دارای چهار پایتخت بودند که در طول سال در آنها اقامت می گردند. این پایتختها در چهار مرکز اصلی تمدن های باستانی آنروز بنا شده بودند: بابل، در قلب تمدن بین النهرين، شوش، در مرکز تمدن عیلام، هگمتانه، در مرکز اصلی مادها و بالآخره پارسه یا پایتخت جمشید، در قلب خاستگاه خود هخامنشیان، یعنی خط پارس، که روزگاری "غشی ترین شهر زیر آفتاب" محسوب می گردید.

The Empire now extended from the borders of India in the east to Greece on the Mediterranean, down to Egypt and Ethiopia in Africa and up to what is now Russia and Eastern Europe. Twenty-eight different nations were brought together under the rule of a man who was hailed as 'the King of Kings'.

To administer this vast Empire, according to Herodotus, Darius divided it into twenty provinces, each with its own provincial governor or *satrap*.

It was under his rule that for the first time a standard weighing system was devised, Old Persian cuneiform script was invented, and gold and silver coins were minted and used throughout the Empire.

As an administrator and a builder, Darius was brilliant. In Egypt, he had a canal dug between the Nile and the Red Sea, anticipating the modern Suez Canal. More important was the construction of the Royal Road stretching about 2,600 kilometers. This road connected Susa and Persepolis at the heart of the empire, to Sardis and the Mediterranean shores. This great highway and other network of roads, had resting stations at regular intervals, which facilitated secure trade and commerce, and expedited communications through an efficient mail system by the fast-riding letter carriers. These messengers would change their horses at each station and could therefore reach their destination at the shortest possible time. This was in fact a prelude to the "pony express" and today's postal system.

In order to govern their vast empire, the Achaemenid kings established not one but four capital cities in various strategic regions: Babylon, Susa, Ecbatana and finally the most magnificent of them, Parsa or Persepolis, which was known in its day as the "richest city under the sun".

## Map of the Empire

نقشه امپراتوری





## Map of the Empire

نقشه امپراتوری



## Persepolis: "The Richest City under the Sun."

Deodorus Siculus

Persepolis is the Greek designation for the city and its acropolis that was originally called 'Parsa' by the Persians. Parsa was founded around 518 BC by a great visionary king, Darius the Great, the third king of royal Achaemenid dynasty. He selected the northwestern side of the Mountain of Mercy, near the present-day city of Marvdasht, to build one of the greatest palatial complexes in the world.

It must have been a great endeavor to create this huge platform that was made of giant blocks of stone, covering more than 125,000 square meters.

After the platform was prepared, the majestic structures were gradually constructed and expanded during the reigns of Darius and his successors, Xerxes and Artaxerxes I, in the span of more than 50 years.

Persepolis was first and foremost a majestic ceremonial complex, where representatives of 28 nations and satrapies of the Persian Empire gathered and celebrated their highest feasts in the presence of the king.

For decades, we have only been able to see the ruins and remnants of Persepolis. But today, thanks to numerous scholarly works and a touch of imagination, we can recreate the halls and palaces of Persepolis in all its dazzling splendor. Perhaps now we can see why Persepolis was once known as "the richest city under the sun."

شهر وارگ شاهی آن که پارسیان بدان پارس خواسته اند گفتند امروزه یا نام تحت جمشید شهرت پاگته است پارسیا یا تخت جمشید در سال ۵۱۸ پیش از میلاد توسط داریوش کبیر - سومین پادشاه سلسله هخامنشی - پیش از شهاده شد پس از این کار داریوش دلسته کویر را در یک مرودشت امروزی را جهت پریا کردن یکی از باشکوهترین کاخهای سلطنتی دنیا پس از باستان انتخاب کرد ابتدایاً چند طعنه عظیم سکه را کارهای زمین تختی در دل کوه به وسعت ۱۲۰ هکتار مربع که به منفه معروف گشته شکل را داده شد پس آماده شدی این صفا کار ساخت کاخهای مجلل و تالارهای پر شکو آن در زمان داریوش بزرگ آغاز شد و می ۵ سال توسط چانشیان او بعنی چشایارشا وارد شد اول هخامنشی ادما یافت و تکمیل گردید.

تحت جمشید پر از هخامنشیان ارزش والایی داشت چراکه گالون برگزاری برگزاری گردید آمیز جهان امروز برای جریانی سه ترین مراسم آیینی و جشنها پیشان بود در اینجا باید گذار ۲۸ سالگرایی یا ایالات تابع امپراتوری اردی را می نتاط کیتی دور هم جمع می شدند تا در حضور پادشاه بزرگترین اعیاد سیحون اسوار و راحش بکرید اما امروزه از مکانه و مظمنت دیرین تحت جمشید خبری نیست و متناسبه سالیان سال است که مسلط نظاره کرده اند هایند اقش سوخته آن است.

با ایصال اکتون بالاستفاده از صحیحیات و نظرات جدید را می خواهند و بازده جستجوی از من آوری یونین همراه با تبرو و تخلی، شرایط متناسبی فراهم شده است تا تقویتیم جلوه ای از شکوه و مغلوب دیرین تحت جمشید را باز آفرینی کنیم باید ترقیت شاید بتوان غنیمت که چرا تحت جمشید روزگاری "غنی‌ترین شهر زیر آفتاب بوده است."









## The Entrance Staircase

Two rows of double-reversed staircase constitute the main entrance to Persepolis. Each flight has 111 steps, each of which is about 7 meters long, 40 cm deep and has a short rise of only 10 cm. It was so designed to promote a stately progression of the dignitaries and delegations to the terrace to attend the royal ceremony.



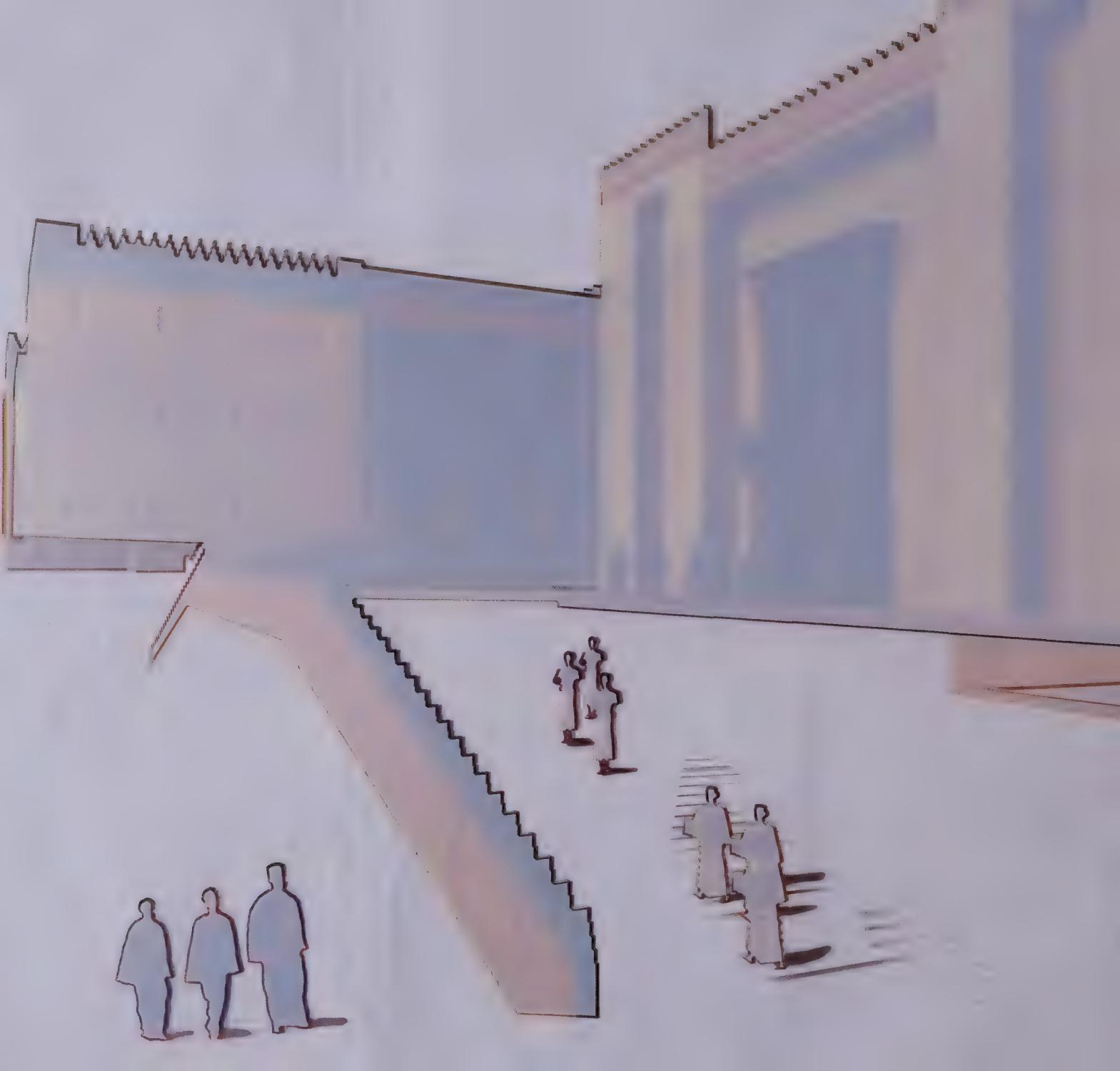
## پلکان ورودی

دو ردیف پلکان قرینه ورودی اصلی به تخت جمشید را تشکیل می دهند. هر ردیف پلکان شامل یک عدد پله است و هر پله در حدود ۷ متر طول، ۴۰ سانتی متر عرض و فقط ۱۰ سانتی متر ارتفاع دارد. ارتفاع کم پله ها برای راحتی بیشتر میهمانان عالیمقام و حرکت آرام و تشریفاتی آنان به سوی صفة، برای شرکت در مراسم بارعام و میهمانی شاهانه در نظر گرفته شده بود.











## The Gate of All Nations

Access to the complex was through the Gate of All Nations. Two gigantic bulls reminded the guests that they were entering the heart of the royal Persian power. An inscription by King Xerxes on the pillars of the Gate reads: "On demand of God Ahuramazda, I built this Gate of All Nations. Many splendid and beautiful monuments were erected in this Parsa, all by my command and my father's; which we built to please Ahuramazda."



### دروازه ملل

ورود به مجموعه کاخها از راه دروازه ملل انجام می گرفت. پیکره سنگی دو گاو عظیم در مدخل ورودی، به میهمانان پاداوردی می کرد که در آستانه ورود به قلب تمدن هخامنشی هستند. بر بالای جرزهای این دروازه کتیبه هایی به سه زبان پارسی پاسخان، عیلامی و بابلی وجود دارد که در آنها خشایارشا پس از سلطنت خداوند چنین می گوید: "این دروازه همی ملتها را من به حواس است اهورامزدا مساختم بسا مساحتمنهای خوب دیگر در این پارسه بر پاشند که من و پدرم برآوردم. هر آن بنایی که زیبا می نمایید همه را به تایید اهورامزدا، ما مساختیم"







## The Welcoming Hall

The dignitaries and delegates who had come from all over the Empire assembled here and were seated on a glittering bench of black marble-like stone. Through the southern doorway they were then ushered to the great Apadana.

### تالار انتظار

هیات‌ها و نمایندگانی که از سرتاسر امپراتوری هخامنشی به تخت جمشید آمده بودند نخست در درون دروازه ملل و پرروی سکوهایی که دور تالار قرار داشت، به انتظار اجازه‌ی ورود می‌نشستند و سپس از راه دروازه جنوبی، توسط بزرگان پارسی یا مادی برای شرکت در مراسم بارگام، به سوی کاخ آپادانا هدایت می‌شدند.

The other dignitaries, especially the military officials, however, would pass through the Eastern Gate and proceed towards the One Hundred Column Hall از سوی دیگر بزرگان و فرماندهان ارتش از راه دروازه شرقی به خیابان سپاهیان و از آنجا به تالار صد ستون راه می‌یافتد.









Part of the original glazed bricks used for ornamentation of Apadana towers.

بخشی از آجرهای لعابدار اصلی که روزگاری برجهای کاخ آپادانا را تزیین کرده بودند.

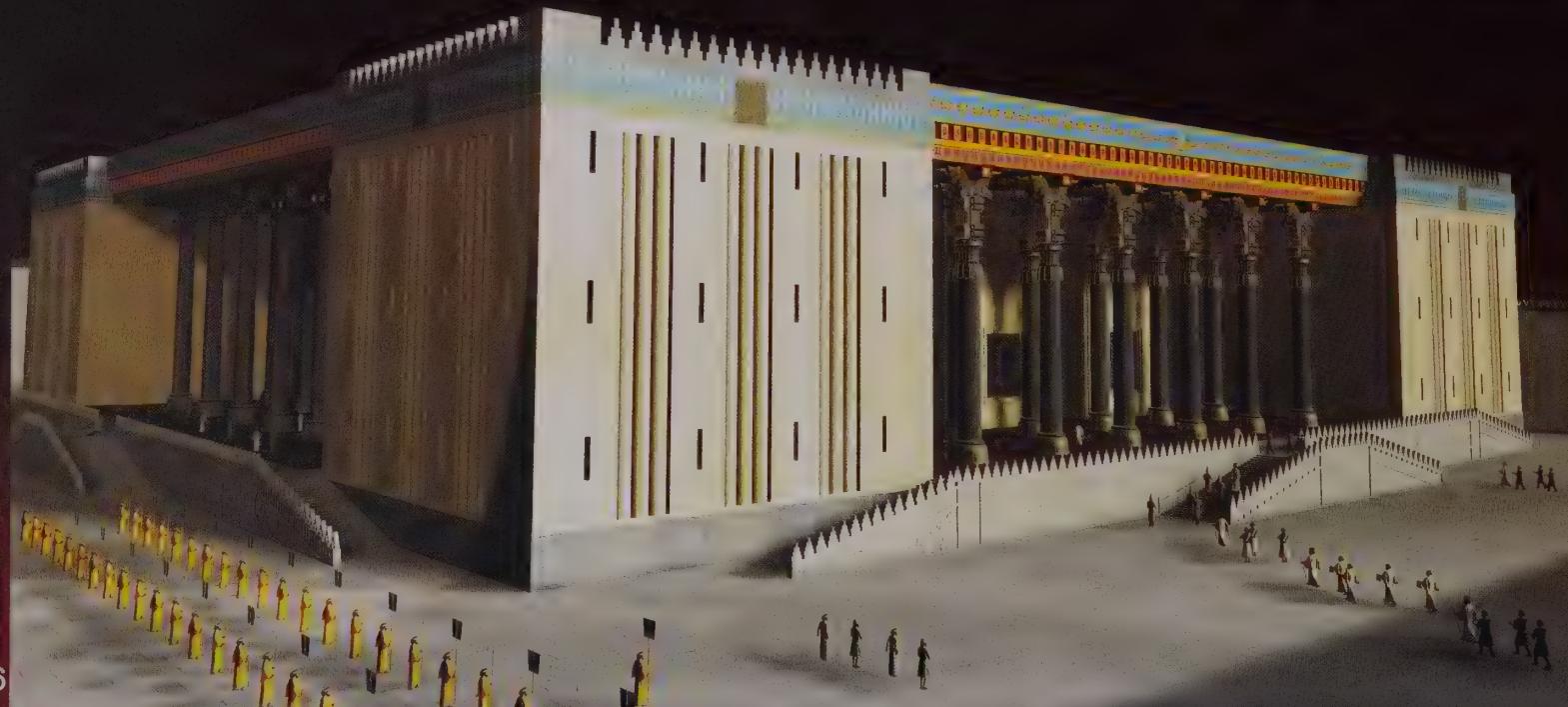


Crossing this vast imperial platform, the dignitaries who came from the “four corners of the world”, approached the largest and most splendid palace of the royal complex: the Apadana.

In each corner of the palace, there were ornamented towers that were three-stories high.

با کذشتن از این حیاط وسیع سلطنتی، میهمانان بلند مرتبه که از "چهار گوشه جهان" آنروز گرد آمده بودند بزرگترین و با شکوه ترین کاخ این ارگ، یعنی آپادانا را پیش روی خود می دیدند.

در چهار گوشه این کاخ، برجهای سه طبقه زیبایی که با آجرهای رنگی لعابدار تزیین شده بودند، جلب نظر می کردند.



Apadana, undoubtedly the most splendid palace of Persepolis, took thirty years to be completed. It consisted of a great central hall, which had 36 columns and three porticos on the northern, eastern and western sides, each having 12 grand columns. A series of steps in the north and east provided access to the hall.

۲۰ سال طول کشید تا آپادانا که بیشک با عظمت ترین کاخ تخت جمشید بود ساخته و تکمیل شود. این کاخ دارای یک تالار مرکزی با ۳۶ ستون و سه ایوان در شمال، شرق و غرب هر یک با ۱۲ ستون با شکوه بود. دو سری پلکان بسیار زیبا در شمال و شرق، و رویی های کاخ آپادانا را تشکیل می دادند که امروزه می توان جذاب ترین نقوش پاره اعام را در دیوارهای آنها مشاهده نمود.





Ionian Greeks, as depicted in the Apadana reliefs, bring their finest gifts to present to the Achaemenid king and to pledge their allegiance.



یکی از این نقش، تصویرگر نمایندگان یونانی تبار اهل آیونی است که در حال حمل بهترین تحفه های خود به حضور پادشاه ایران آمد.

## The Gigantic Doors

To enter the central hall, the guests would pass through these gigantic double-leaved doors. They were 18 meters high, with repoussé sheets of gold and silver.



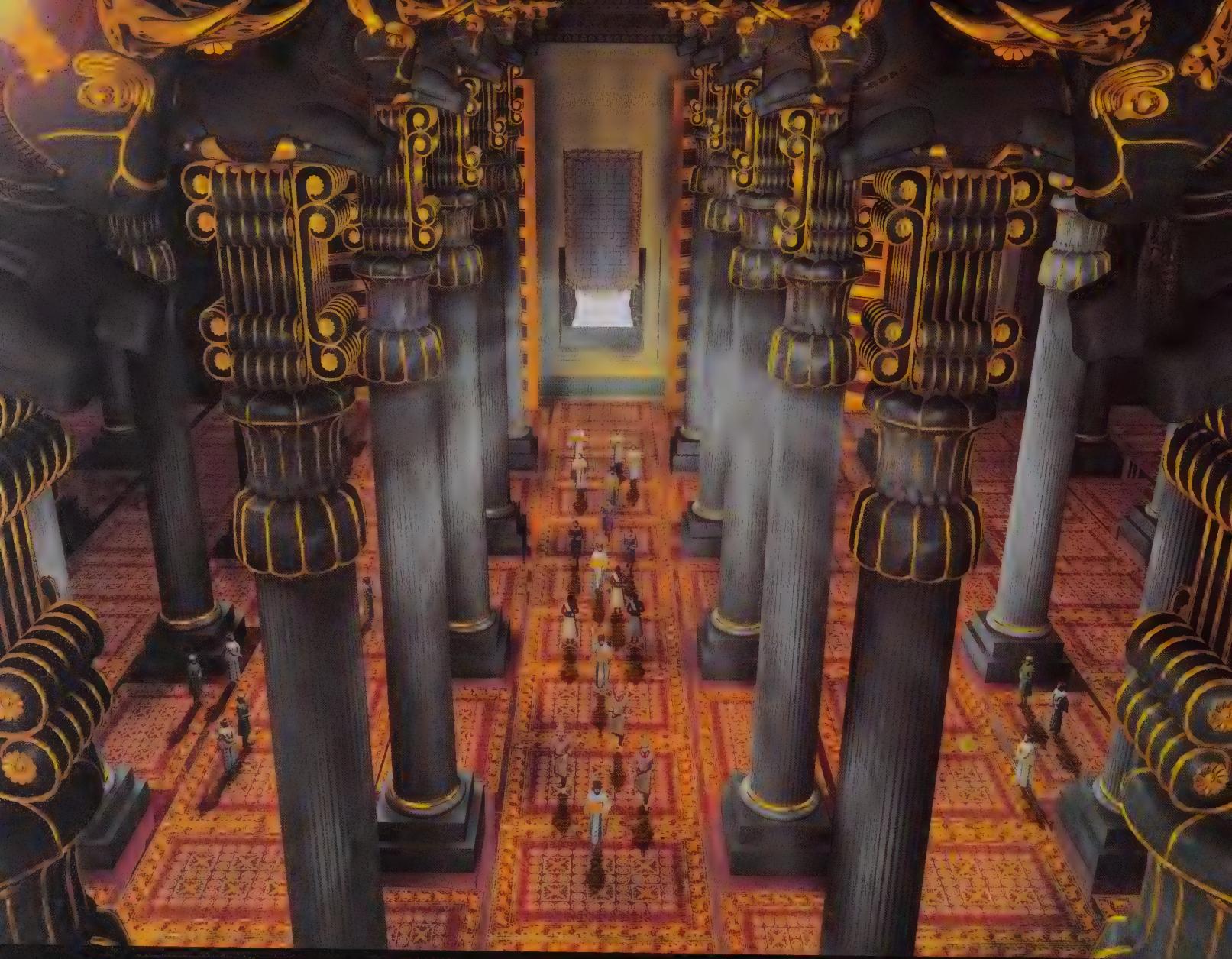
## درهای عظیم

برای ورود به تالار آپادانا میهمانان گوناگون از این درگاهها که هر کدام دو لنگه در داشتند می گذشتند. این درهای عظیم چوبی با ۱۸ متر ارتفاع با ورقه های نقش دار طلا و نقره مزین شده بودند.









Each of the main hall's majestic columns, measuring 20 meters high, was composed of a square base, a round torus, a fluted shaft and a heavy capital in the form of a double bull protome weighing about 15 tons.

هر یک از ستونهای سنگی با شکوه این تالار ۲۰ متر بلندی داشت و شامل یک پایه ستون مربع شکل، تنه های استوانه ای شیار دار و بسیار سنتوتی به شکل دو گاو نر پشت به هم بود که ۱۵ تن وزن داشت.





### The Lion Capitals of Eastern Portico

While the capitals of the main hall as well as the northern and western porticos had double bull protomes, those of the eastern portico were in the form of magnificent double lion protomes.

### سرستونهای ایوان شرقی

سرستونهای تالار مرکزی و دو ایوان غربی و شمالی به شکل دو گاو نر بودند، در حالی که سرستونهای ایوان شرقی آپادانا شکل دیگری داشتند؛ دو شیر غریب پشت به هم.

Of the 72 columns in antiquity supporting the Apadana's roof, only 14 are still standing today. The vast and heavy roof that was as large as a football field, rested on massive beams of cedar or cypress.

از ۷۲ ستون نگهدارنده سقف آپادانا، امروزه فقط ۱۴ عدد پابرجا هستند. سقف وسیع و سنگین تالار که تقریباً به وسعت یک زمین فوتبال بود، بر روی این ستونها و تیرهای حامل، از الوارهای قطور چوب سدر یا سرو استوار بود.



1000 1000





## The Royal Audience

Archaeological investigations show that the two highly beautiful carved slabs-one now at the Iran National Museum and the other at the Persepolis Treasury- had originally ornamented the central façade of the Apadana stairways. They masterfully depict the royal audience and its pomps and protocol.



### آغاز بار عام شاهی

شواهد باستان شناسی نشان می دهد که دو نقش بسیار زیبای بار عام شاهی که اکنون یکی در خزانه تخت جمشید و دیگری در موزه ملی ایران به نمایش گذاشته شده اند، در واقع قرینه‌ی همدیگر و متعلق به پلکانهای شمالی و شرقی آپادانا بودند که به بهترین شیوه آغاز بار عام شاهی را به نمایش می گذاشتند.



Prof. Richard Frye, who has lectured on Iranian studies for over 30 years at Harvard University, thus explains the protocol of the royal audience:

پروفیسر ریچارد فرای که بیش از ۲۰ سال در دانشگاه هاروارد آمریکا به بررسی و تدریس ایران‌شناسی مشغول بوده، آیین تشریفاتی بار عالم شاهان هخامنشی را چنین توصیف می‌نماید:



*"To this remarkable ceremonial center of a world empire, there came on New Year's day, the vernal equinox, on the 21st of March, many peoples, representatives of many satrapies or governorships, which Darius had established in the empire. From the Ionian Greeks to the Egyptians, From the Babylonians to the Indians, they brought all sorts of gifts"*



”در اویین رور بهار یا نوروز، نمایندگان ساتراپیها یا همان ایالات تابع امپراتوری جهانی که داریوش بیان بهاد بود، در این مرکز حشنهای آیینی، گرد هم گردند. از آیینهای یونانی تبار تا مصریان، و از یا بیها تا هندیان، همگی تحفه ها و هدیه های گویناگو خود را پیشکش میکردند.“

*“Each delegation led by a Persian or Median noble, was presented to the King with an explanation of what they had brought and then the festivities began celebrating the New Year’s day.”*

”هر گروه از این بعایندگان را یک بحیب زاده پارسی یا هادی راهنمایی کرده و به حضور پادشاه معرفی می نمود. سپس در مورد هدایای آنها توضیحاتی داده می شد و بالاخره هر ایسم جشن باشکوه سال نو آغاز می شد.“





*"This grand occasion was symbolized by the lion devouring the bull, the New Year ending the old year, according to many scholars."*

به گفته بسیاری از پژوهشگران  
این نقش حجاری شده که در  
آن شیری قوی هیکل کاوی را  
می‌بلعد، در واقع پلیان بردن سال  
قدیم توسط سال نو را به صورت  
نمادین به نمایش گذاشته‌اند.“



*“This was Persepolis.”*

“چنین بود تخت جمشید.”



The eastern portico of Apadana is adorned by splendid reliefs of 23 groups of gift-bearers.

نقش بر جسته های بی نظیر ایوان شرقی آپادانا، ۲۳ گروه هدیه آورنده که از نقاط دور و نزدیک امپراتوری هخامنشی گرد آمده بودند را به تصویر کشیده است.



The distinctive locks of hair dangling behind the ears of these men distinguish them as Lydians, who owed their wealth to trade and to their local gold mines. In a friendly manner, the Persian dignitary ushers the emissaries to the Audience Hall, holding their leader's hand.

Xenophon tells us in the *Anabasis* that armlets were among the items considered gifts of honor at the Persian court.

لیدی ها را می توان از نوع لباسشان و از دسته مو هایی که پشت گوششان آویزان است، شناسایی کرد. لیدی ها جزو گروه تمندترین ساتراپی های هخامنشی بودند که هدایای بسیار نفیسی را برای پیشکش به پادشاه به همراه می آوردند. یک نجیب زاده پارسی در حالیکه دوستانه دست سر کرده لیدی ها را در دست دارد، با نرمی آنها را به سوی بار عام شاهی، هدایت می کند. گزندقون در کتاب خود آناباسیس گفته است که "پازو بند های نفیس از جمله هدایای ما ارزش در دربار پارسیان بوده است".

Opposing griffins, once inlaid with semi-precious stones, adorned this bracelet that is a part of the cache of treasures found near the river Oxus. The “Oxus Treasure” is now kept at the British Museum.

یکی از هدیه اورنگکان اهل لیدی بازوبند ریبایی را به عنوان پیشکش حمل می کند. مشابه این بازوبند را امروزه در موزه بریتانیا در میان گنجینه ای که در ترددیکی رود سیحون کشف گردیده و بهمین نام یعنی “گنجینه سیحون” معروف شده می توان دید. روزگاری این بازوبند منحصر به فرد، مرین به سنگهای قیمتی نیز بوده است.



Babylonian representatives carry among other items, lengths of textile, possibly made of wool. Actual pieces of textile dating to the Achaemenid period have been found. This very old fabric with Persian motifs, is now on display at the Hermitage Museum in St Petersburg, Russia. It is part of the astonishing *Pazyrik* finds that were frozen and preserved under heavy ice in southern Siberia.

نماینگان تمدن باستانی بابل در میان هدایای خود منسوجات جالبی نیز به همراه دارند. به رغم اینکه پارچه و منسوجات در گذر زمان پوسیده و از بین می روند، حوشبختانه نمونه هایی از کهن ترین بافت ها با نقش مایه های هخامنشی، در درون یخچال های چوب سیبری حفظ شده اند. این مجموعه حیرت انگیز که به ”گنجینه پازیریک“ معروف گشته، اینکه در موزه آرمیتاژ در سن پترزبورگ روسیه، نگهداری می شود.





An African gift-bearer carries an elephant tusk while leading an okapi-exotic presents from the southernmost region of the empire.

هدیه آورنده آفریقایی در حالی که یک عاج فیل را بر دوش دارد حیوانی شبیه به زرافه موسوم به اوکاپی را تیز به دنبال می کشد. دو هدیه جذاب و کم نظیر از جنوبی ترین ایالات امپراتوری.

Gold dust or exotic spices from the Indus Valley, the eastern limit of Achaemenid Empire, probably filled the containers borne by the Indian gift-bearer.

نماینده هندی هم احتمالاً پودر طلا یا ادویه جات منحصر بفردی را از شرقی ترین ایالات امپراتوری به ارمغان آورده است.





The representatives of Bactria present highly valued bowls perhaps made of gold.

This 20cm-wide gold bowl, now at the Iran National Museum, is similar to those illustrated at Persepolis. It is engraved at the rim with King Xerxes' name in Old Persian, Babylonian and Elamite - the three languages used for formal cuneiform inscriptions.

پیشکش بلخیان کاسه های نفیس احتمالاً جنس سنگ لاجورد یا طلا می باشد

این کاسه طلایی بسیار زیبا که در هگمتانه یافت شده و ۲۰ سلنتی متر قطر دارد شبیه هدایای منقوش در دیوارهای آپادانا است

بر روی این کاسه زرین که امروزه در موزه ملی ایران نگهداری می شود نام جشتیارشا، یا خط میخی و به سه زبان فارسی پاسitan، عیلامی و بابلی حک شده است.



The pictures depicted in the Apadana reliefs portray an image of peace and harmony. There is no sign of aggression or hostility.

نقوش آپادانا، تصویرگر فضایی مفروض از صلح و دوستی ق آرامش اند. در اینجا از خشونت و دشمنی هیچ خبری نیست.

This atmosphere is also noticeable at the Tripylon reliefs, where noblemen are depicted holding hands and chatting with one another.

Most of them carry lotus-like blossoms or flowers while others hold round objects like apples or colored eggs, all of which are still associated with the New Year, Nowruz, festival.

این فضای تصاویر کاخ سه دروازه نیز بخوبی مشهود است. بزرگان پارسی و مادی در حالی که برخی دست در دست هم دارند گفتگوکنند و به آرامی از پله های کاخ، بالا می روند.

بسیاری از ایشان یک شاخه گل یا اجسام کروی شکلی همچون سیب و تخم مرغ رنگی بدهست دارند که حتی امروزه تین از نشانه های جشن نوروز اند.

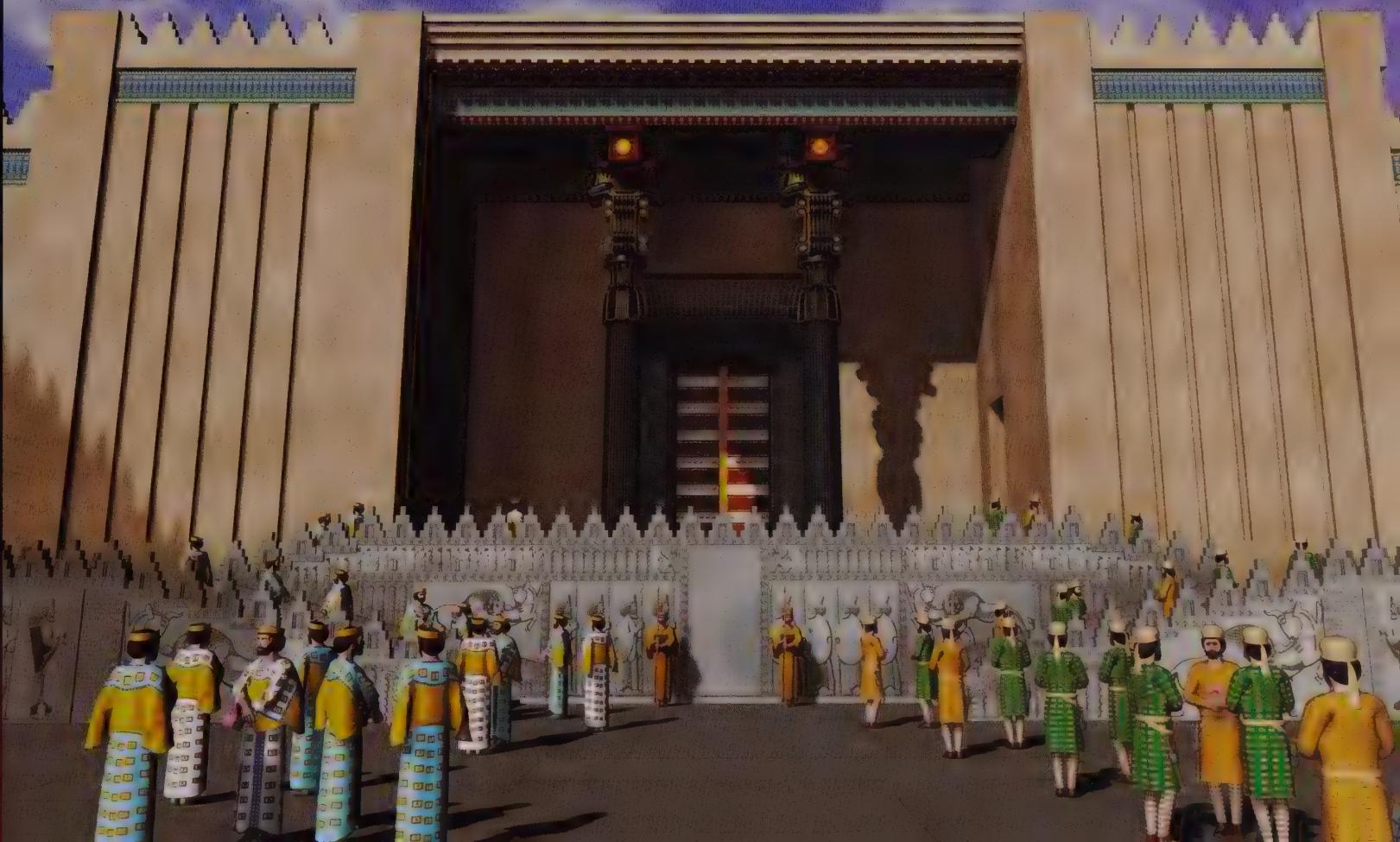


## Tripylon

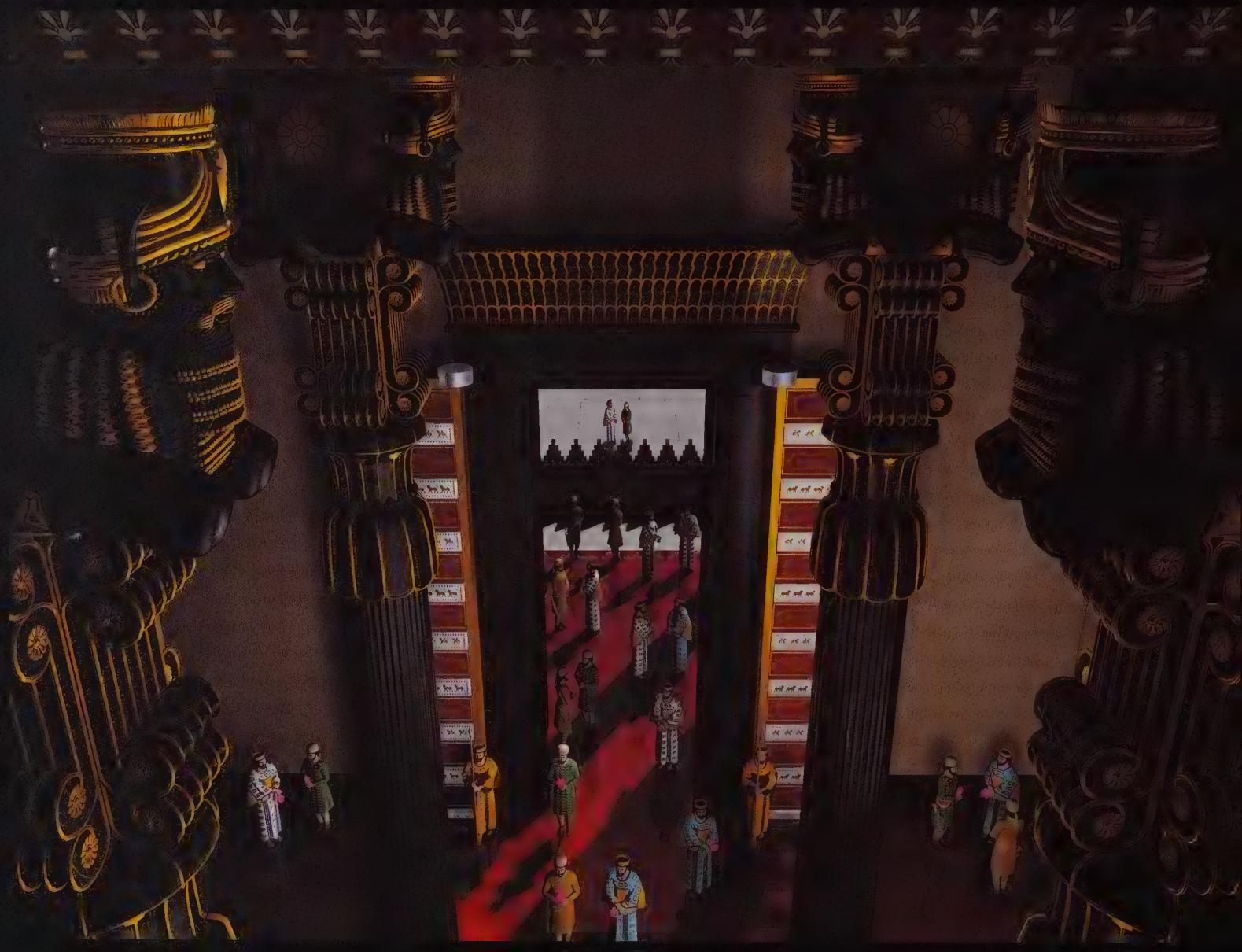
This triple gate palace was probably used by Achaemenid kings to hold council with top level Persian and Median noblemen and state officials, therefore it is named by some experts as the "Council Hall".

### کاخ سه دروازه یا تالار شورا

پادشاهان هخامنشی از این کاخ احتمالاً برای مشورت با نجیب زادگان پارسی و مادی و سایر مقامات بلند پایه کشوری و اشکری استفاده می کردند به همین جهت برخی از کارشناسان این کاخ را تالار شورا نیز جواده اند



Beautiful columns with spectacular capitals, in the form of composite human head on an animal body, supported its ceiling.



ستونهای بسیار زیبا از سنگهایی به رنگ سیاه با سر ستونهایی بی نظیر مرکب از سر انسان و بدن حیوان، سقف این کاخ را بر دوش می کشیدند.



## Tachara: The Private Palace of Darius

For his personal use when celebrating the feasts at Persepolis, King Darius ordered the construction of this palatial building whose ruins are still imposing.

کاخ اختصاصی داریوش: تخت

کاخ تخت داریوش یک پالاتی است که بین ۴۵۰-۴۰۰ پ.م. میان کوههای خاصی دارد. به لستیون داریوش بزرگ ساخته شد.



The double-staircase on the south gives access to the palace. Here, the sovereign and his son, Xerxes, held feasts and made preparation to hold audience in the adjacent Apadana, or in the Hundred Column Hall.

در نصفت خوبی کاخ، بلکه در سویه تراو دارد که راه اصلی ورود به تالار اصلی کاخ بود. در این کاخ بود که پاریوش شاه و پسرش خسایارشا خود را برای مراسم ملّاگام بر تخت آپادانا یا گلیم خند سیکون آماده می کردند.



## Tachara or The Hall of Mirrors

This palace would have been dimly lit. The light would have been streaming through the windows. Since all the stones were highly polished and thus reflected images, it is also known as the Hall of Mirrors.

### کاخ تچر یا تالار آینه

بور ملایمی که از درون پنجره ها وارد تالار مرکزی این کاخ می شد به آن جلوهی خاصی می بخشید. از طرف دیگر در جای جای این کاخ از سنگهای بسیار صیقل داده شده و برآق استفاده شده بود که به طور طبیعی تصاویر را منعکس می کردند. به همین جهت کاخ تچر به تالار آینه نیز شهرت یافته است.



On the eastern and western doorjambs of Tachara, there are reliefs that depict the king in full regalia leaving the palace, followed by two special attendants.



نقش بر جسته های ورودی های شمالی و جنوبی کاخ تچر به شیوه ای با شکوه، پادشاه هخامنشی را در حالیکه دو تن از ملازمین مخصوص وی را همراهی می کنند، به تصویر کشیده است.







## The Hadish

This was king Xerxes private palace. With an area of 2,250 square meters, Hadish consisted of a 12-columned portico in the north, a central hall, a number of private rooms and a small veranda on the south, which led to the Queen's palace designated by some scholars as the "Harem"

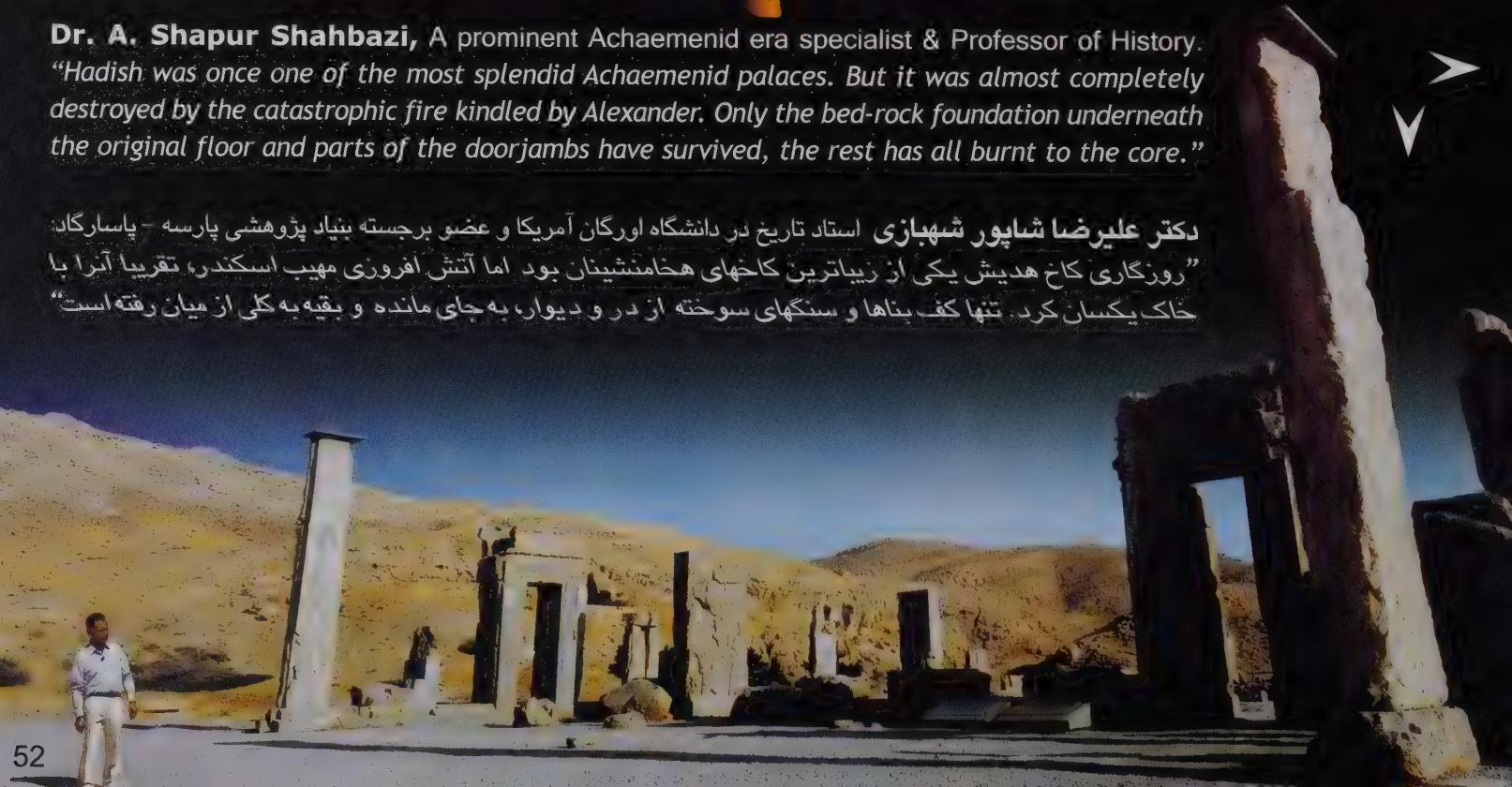


## هدیش

هدیش با وسعتی معادل ۲۲۵۰ متر مربع کاخ اختصاصی خشایارشا بود. کاخ پر شکوه هدیش شامل یک تالار مرکزی، تعدادی اتاق اختصاصی، یک ایوان در شمال و یک ایوان در جنوب بود. از این ایوان راه مخصوصی نیز به کاخ ملکه معروف به حرم‌سرا تعییه شده بود.

**Dr. A. Shapur Shahbazi**, A prominent Achaemenid era specialist & Professor of History.  
*"Hadish was once one of the most splendid Achaemenid palaces. But it was almost completely destroyed by the catastrophic fire kindled by Alexander. Only the bed-rock foundation underneath the original floor and parts of the doorjambs have survived, the rest has all burnt to the core."*

دکتر علیرضا شاپور شهبازی استاد تاریخ در دانشگاه اورگان آمریکا و عضو برجسته بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد "روزگاری کاخ هدیش یکی از زیباترین کاخهای هخامنشیان بود. اما آتش آفروزی مهیب اسکندر، تقریباً آنرا با حاکیکسان کرد. تنها گفتنها و سکه‌ای سوخته از در و دیوار به جای مانده و یقینه به کلی از میان رفته است"









## کاخ ملکه



### The Queen's Palace

This building is located on the south of Hadish. It presumably was the place where the royal ladies lived.

Its western wing was reconstructed in the 1930s and today serves as the headquarters of the "Parsa-Pasargadae Research Foundation" and houses the Persepolis Museum.

این کاخ بزرگ که در جنوب هدیش واقع شده است، محل زندگی ملکه و سایر بانوان در حرمسرای سلطنتی بوده است.

قسمت غربی این کاخ بیش از ۷ سال پیش بازسازی شده و امروزه، موزه تخت جمشید و بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد را در خود جای داده است.

In antiquity, officials used cylinder seals, about five centimeters high, to sign documents written on clay tablets. These seals, which were rolled across the clay, left impressions which today provide very valuable insight into the daily life of the nobles.

در زمان باستان، بزرگان و مسئولین، اسناد نشته شده بر لوحهای کلین را با استفاده از مهرهای استوانه‌ای که در حدود ۵ سانتی متر طول داشتند امضا می‌کردند و به آنها رسمیت می‌بخشیدند. با غلطاندن این گونه مهرهای استوانه‌ای بر روی الواح کلی نقش مهرها که امروزه اطلاعات مهمی در مورد زندگی روزمره بزرگان آنروز را به ما می‌دهند، منعکس شده است.



For instance, this rare imprint captures a moment in the royal Achaemenid "harem". Observed by a crowned lady standing in front of the incense burner, a girl offers a bird to an enthroned queen.

برای نمونه، این نقش مهر، کویای لحظه‌ای از زندگی ملکه در حرم‌سرای سلطنتی است. در اینجا ملکه در کنار یک بخوردان بزرگ نشسته و ندیمه‌اش، پرندۀ‌ای به وی اهدا می‌کند.

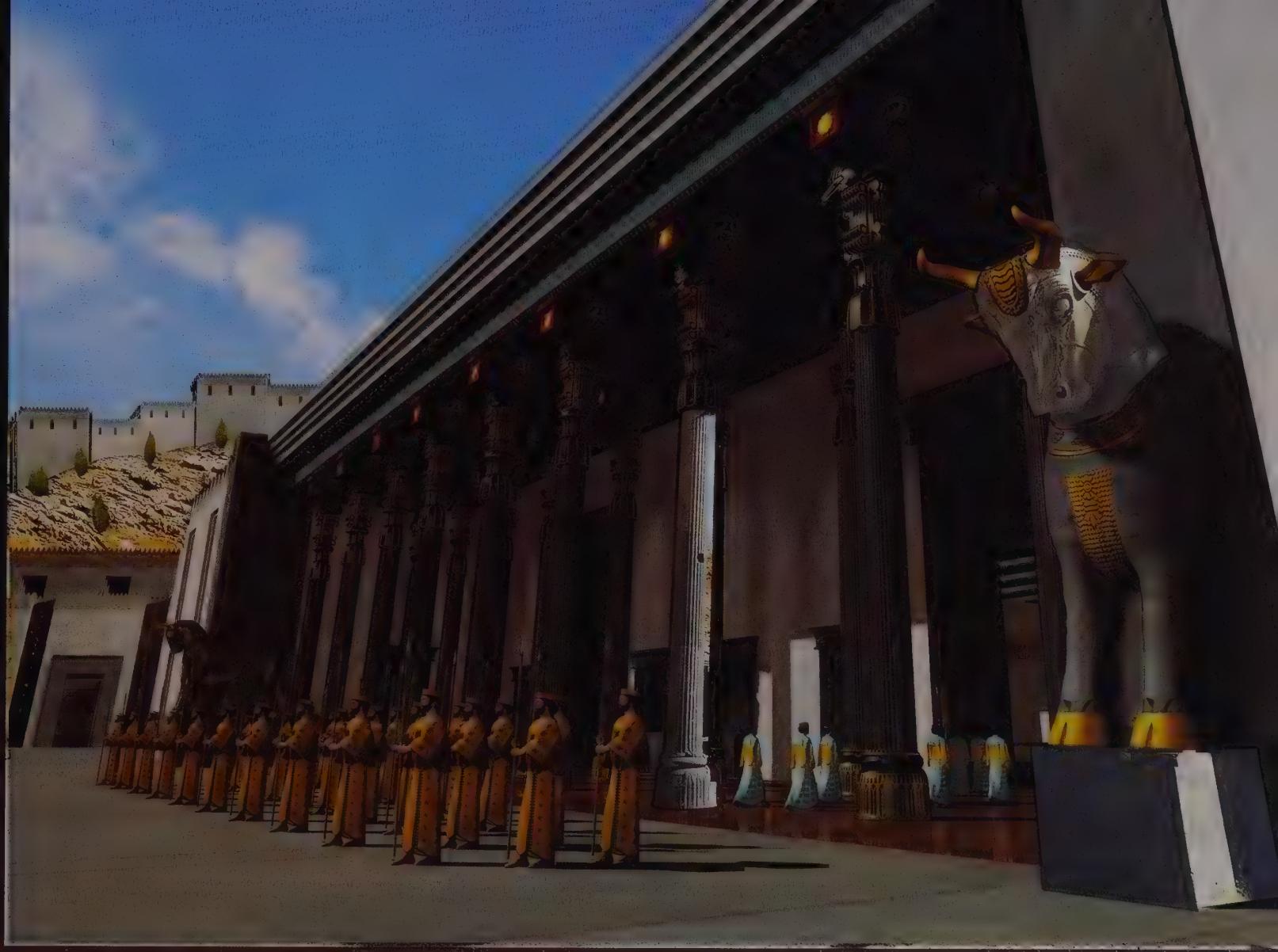
Exiting through the eastern Gate of All Nations and passing two giant guardian sphinxes, the dignitaries and military officials proceeded towards the One Hundred Column Hall.

با عبور از درگاه شرقی دروازه ملل و گذر از میان دو ابوالهول یا بشکوه و شنومند، بزرگان و امرای ارتش به سوی خیابان سپاهیان و از آنجا به سوی کاخ عظیم صد ستون می رفتد.



This Hall, also known as the Throne Hall, occupied an area of 4600 square meters and could accommodate thousands people.

این کاخ وسیع با صد ستون زیبا از منگ سیاه رنگ، ۴۶۰۰ متر مربع وسعت داشته و گنجایش حضور هزاران نفر را دارا بوده است.



A portico with sixteen columns and two guardian bulls on either side was situated on the northern wing of this palace. To the east of the Hall were the soldiers' quarters.

در قسمت شمالی کاخ آیوانی با ۱۶ ستون و دو مجسمه عظیم گاو نگهبان، قرار داشته است. در شرق این کاخ نیز مقر سربازان واقع شده بود.

**Dr. A. Shapur Shahbazi**, A prominent Achaemenid eraspecialist & Professor of History.

*"This Hall had two southern and two northern doorways. On each of the two northern doorjambs, we can see fifty military officials, once shown from the left and once from the right. They add up to one hundred officials. These individuals are actually the military backbone of the Empire, who hold the throne and provide an exact analogy to the symbolism of the one hundred columns of the Hall."*

دکتر علیرضا شاپور شهبازی استاد برجسته دوران هخامنشی و عضو بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد:

”این تالار دارای دو درگاه جنوبی و دو درگاه شمالی است. بر روی هریک از درگاه های شمالی پنجاه افسر نظامی که پیکار از سمت چپ و پیکار از سمت راست نشان داده شده اند را می بینیم. بدین ترتیب بر روی دو درگاه، جمعاً یکصد نظامی داریم که این کروه در واقع صد افسر عالیرتبه امپراتوری ایران هستند که تمام همان صد سیتون می باشد.“



The jambs of the southern doorways, however are ornamented with the figures of the Great King in audience, while 28 representatives of the subject nations carry his throne.

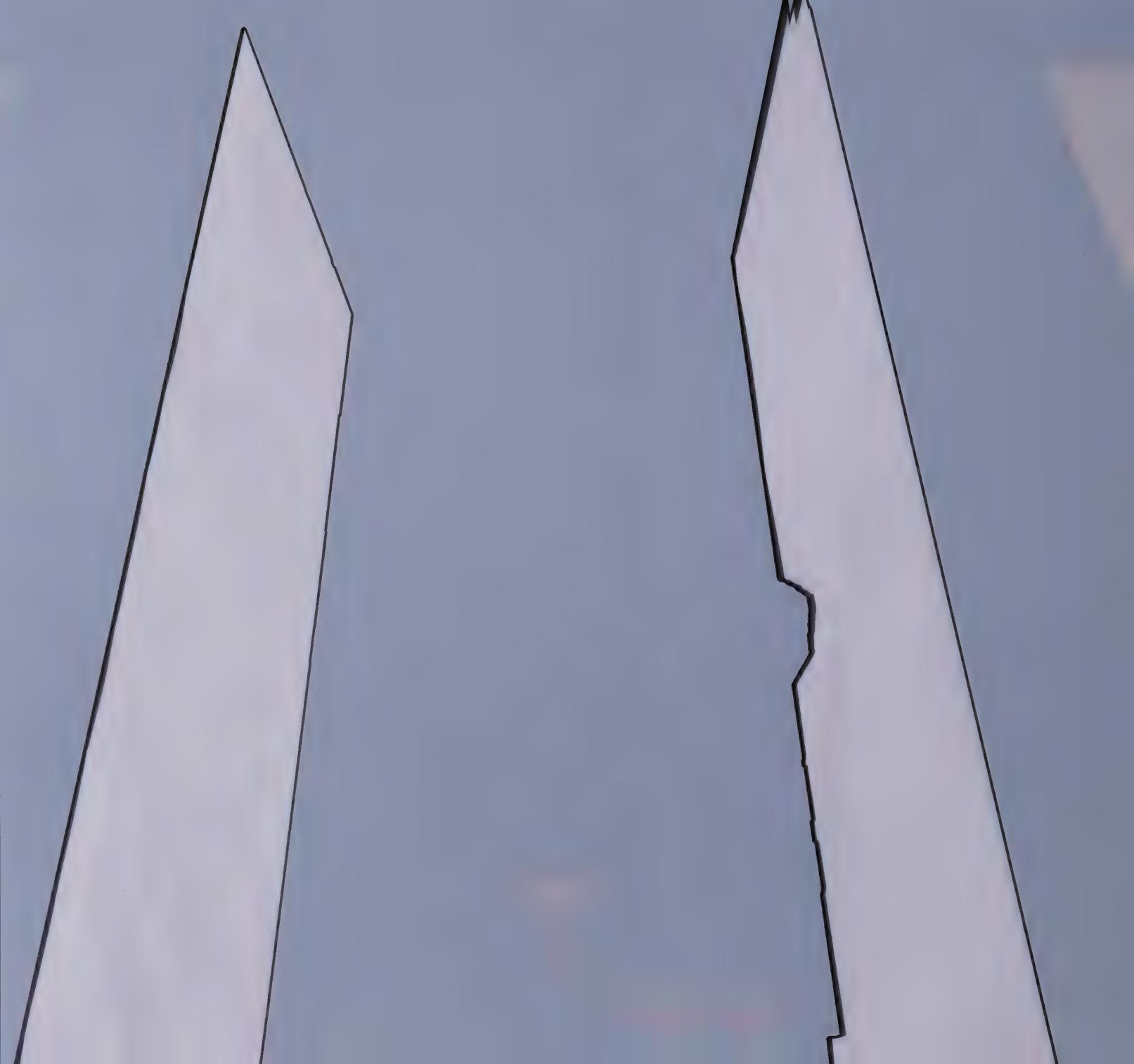
As a convention, to indicate figures arranged in three parallel lines, they were shown one on top of the other.



روی درگاه های جنوبی نقش اورنگ پران را می بینیم. بیست و هشت تن از نمایندگان ممالک تابع امپراتوری هخامنشی، تخت پادشاهی را حمل می کنند. طبق رواج آن رون، هنرمندان سنگ تراش برای نشان دادن سه ردیف موازی اورنگ پران، آنها را به صورت سه صف و یکی را بر فراز دیگری نقش کرده اند.









## The Treasury

The Treasury, with its unique ornamented and imposing columns, was one of the first buildings to be constructed on the platform. What early Greek historians wrote about the wealth of Persepolis certainly was not an exaggeration. We learn from the reports of Diodorus Siculus that "... it was full of gold and silver and all sorts of riches." However, Alexander and his army did a very thorough job of looting and finally burning it down to ashes. Therefore, only a small number of objects which were overlooked by the Macedonians have been recovered.



### خزانه

یکی از نخستین بناهایی که بر روی صفه ساخته شد، ساختمان مستحکم خزانه پا ستوهای چوبی مزین به نقوش رنگی منحصر به فرد بود. تاریخ نویسان یونانی در مورد غنا و ثروت سرشار در شهر پارسه و ارگ پادشاهی آن اغراق نکرده اند. بنابر توصیه های دیودوروس سیپیلی پارسه مملو از طلا، مقره و انواع ثروتها بود. لیکن اسکندر مقدونی و سپاهیان او پس از قتل و غارت مردم، به تاراج ثروت سرشار آن پرداختند و سپس پارسه را به آتش کشیده و صرفاً ویرانه ای غارت شده بر جای گذاشتند. بنابراین فقط تعداد محدودی اشیایی که برای مقدونیان بی ارزش می شود باقی مانده است.







## The Builders of Persepolis

Uncovered in the debris of the Treasury were hundreds of clay tablets with cuneiform inscriptions in Elamite.

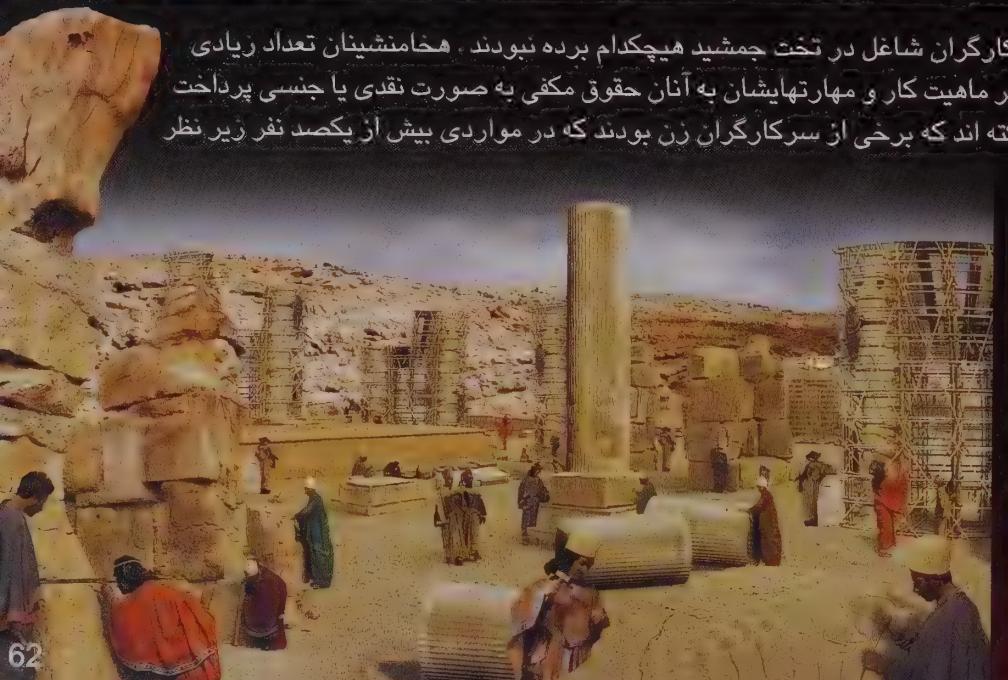


**Dr. Matthew Stolper** of the Oriental Institute of the University of Chicago is one of the very few scholars who can read and interpret them:

*"Eleven karsha of silver [about 1 kilogram] was paid out to woodworkers or craftsmen of some kind, making images at Persepolis.*

*Workers for whom Barad Kamma, the chief financial officer at Persepolis itself, does the assignments."*

It has become clear that the workers at Persepolis were not slaves. The Achaemenids employed large numbers of men and women, and paid them adequately in kind or cash according to their skills and nature of their work. We also know from the tablets that the supervisors consisted of not only men but also women.



دکتر ماتیو استلپر، استاد تاریخ زبان‌های باستان در موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو که یکی از معدود دانشمندانی است که به این زبان آشنایی دارد، متن یکی از

این کتیبه‌های برای مترجمه کرده است: "پارده کارشا [تقرباً معادل یک کیلوگرم] نقره به عنوان کارمزد به کروهی او کنده کاران چوب و هنرمندان نقش آفرین در تخت جمشید پرداخت شده است که این کارگران زیر نظر پارادکاما، مدیر ارشد امور مالی تخت جمشید کارهی کرده‌اند."

بر اساس مطالب الواح یاد شده، قرددی وجود ندارد که کارگران شاغل در تخت جمشید هیچکدام برده نبودند. همانشینان تعداد ریادی کارگر و کارمند زن و مرد در استخدام خود داشتند که بنابر ماهیت کار و مهارت‌هایشان به آنان حقوق مکافی به صورت نقدی یا جنسی پرداخت می‌کردند. لوح‌های گلی یافته شده همچنین گویای این نکته که برخی از سرکارگران زن بودند که در مواردی بیش از یکصد نفر را ریز نظر آنان کار می‌کردند.



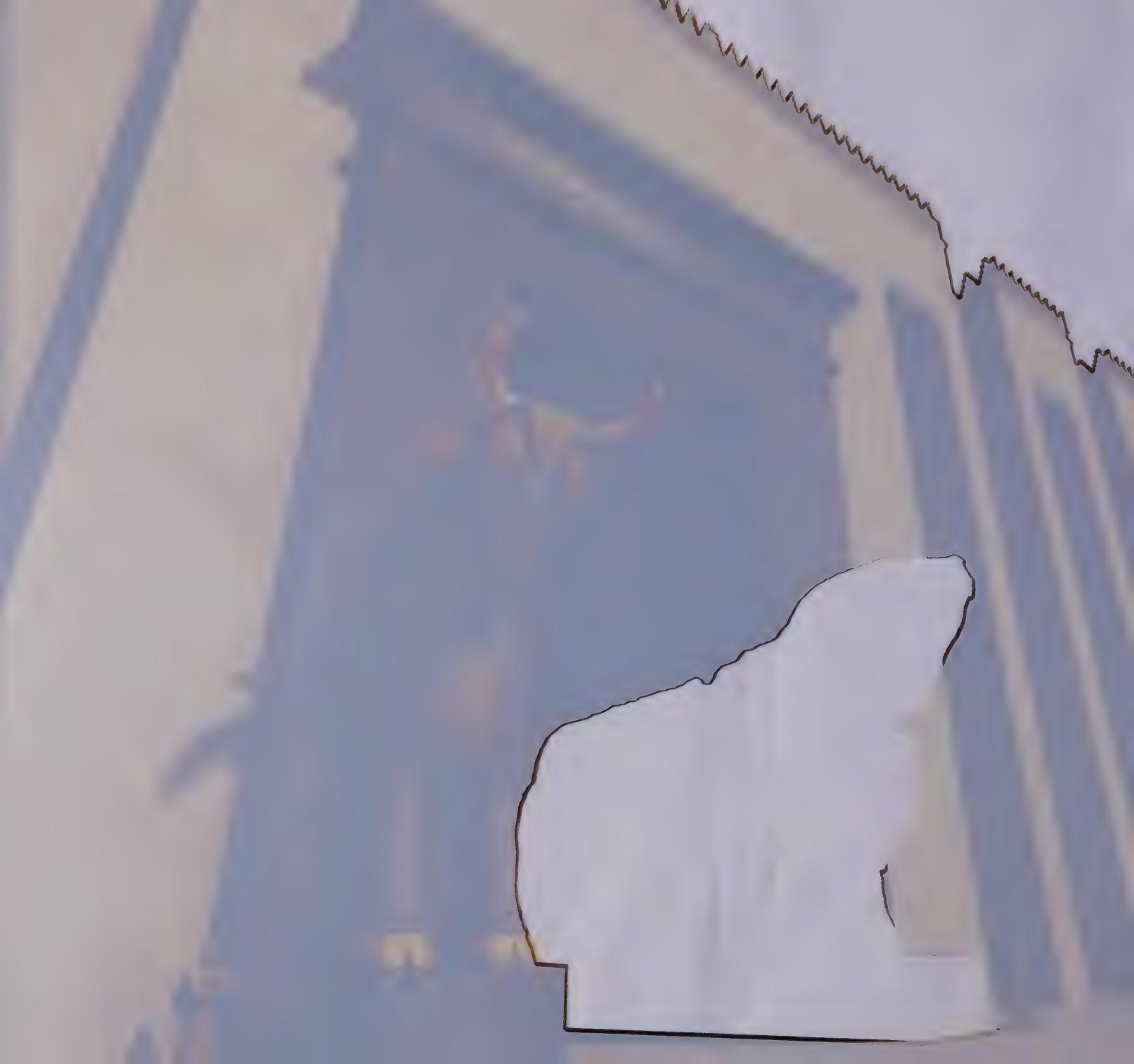
## سازندگان تخت جمشید

در میان آوار و خرابه‌های خزانه، صدها لوح گلین با نشسته هایی به خط میخی عیلامی کشف شده است که اطلاعات ریادی را درباره کارگران و سازندگان تخت جمشید در اختیار ما قرار می‌دهند.

## The Unfinished Gate

## دروازه ناتمام





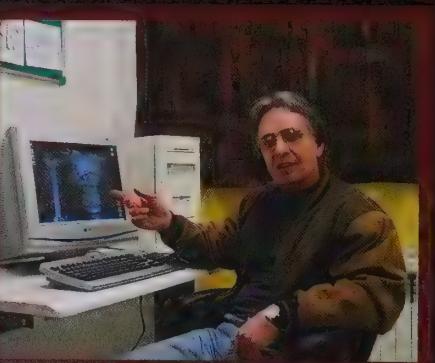
## The Unfinished Gate

### دروازه ناتمام

This gate, whose construction was never finished, shows us the stone-cutting procedure at Persepolis. First the cubic and cylindrical boulders were carried into the yard; they were then hoisted up and installed using wooden scaffoldings, pulleys and ropes. The main carving works started from the top ending at the bottom.

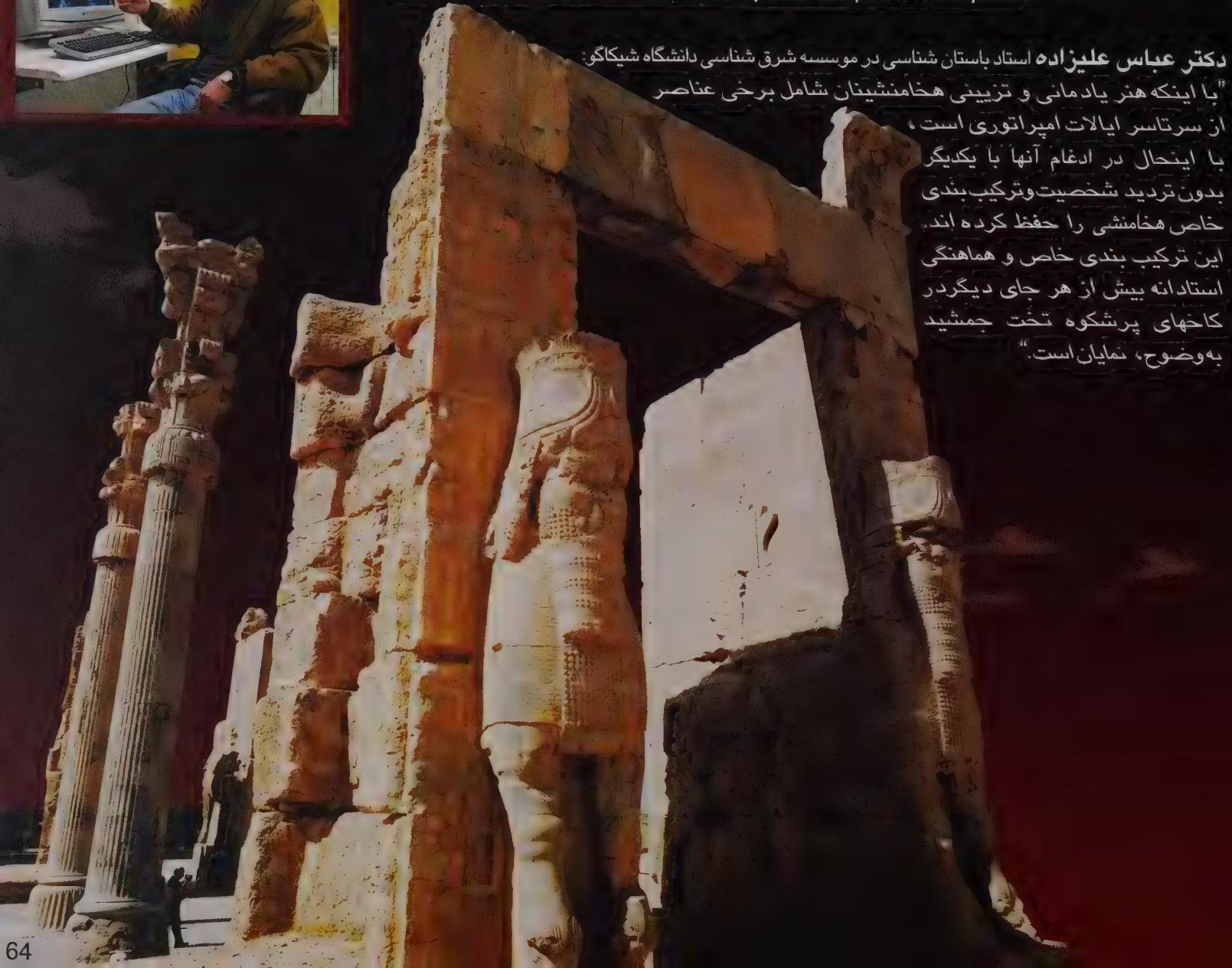
این دروازه ناتمام ما را با جگونگی کار سنگ تراشی در تحت چمشید آشنا می سازد. ابتدا تحت سنگهای مکعب یا استوانه‌ای شکل را به محل می آوردند و پس از تراش اولیه، آنها را با داربستهای چوبی، ریسمان و قرقه‌های فلزی که بعضی از آنها در تحت چمشید یافته شده است به بالا کشیده و در جای خود نصب می کردند. کار اصلی تراش سنگها از بالا شروع می شد و به سمت پائین ادامه می یافت.





**Dr. Abbas Alizadeh**, Professor of Archaeology, Oriental Institute, the University of Chicago:  
"While Persian monumental and decorative arts consist of elements from various parts of the Achaemenid Empire, they are unmistakably Achaemenid in character and composition. Nowhere in the Persian Empire this harmony is better and more masterfully showcased than in the palace complex at Persepolis."

دکتر عباس علیزاده استاد باستان‌شناسی در موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو:  
"با اینکه هنر یادمانی و تزیینی هخامنشیان شامل برخی عناصر از سرتاسر ایالات امپراتوری است، با اینحال در ادغام آنها با یکدیگر بدون تردید شخصیت و ترکیب بندی خاص هخامنشی را حفظ کرده‌اند. این ترکیب بندی خاص و هماهنگ استادانه بیش از هر جای دیگر در کاخهای پرشکوه تحت جمشید به وضوح، شایان است."

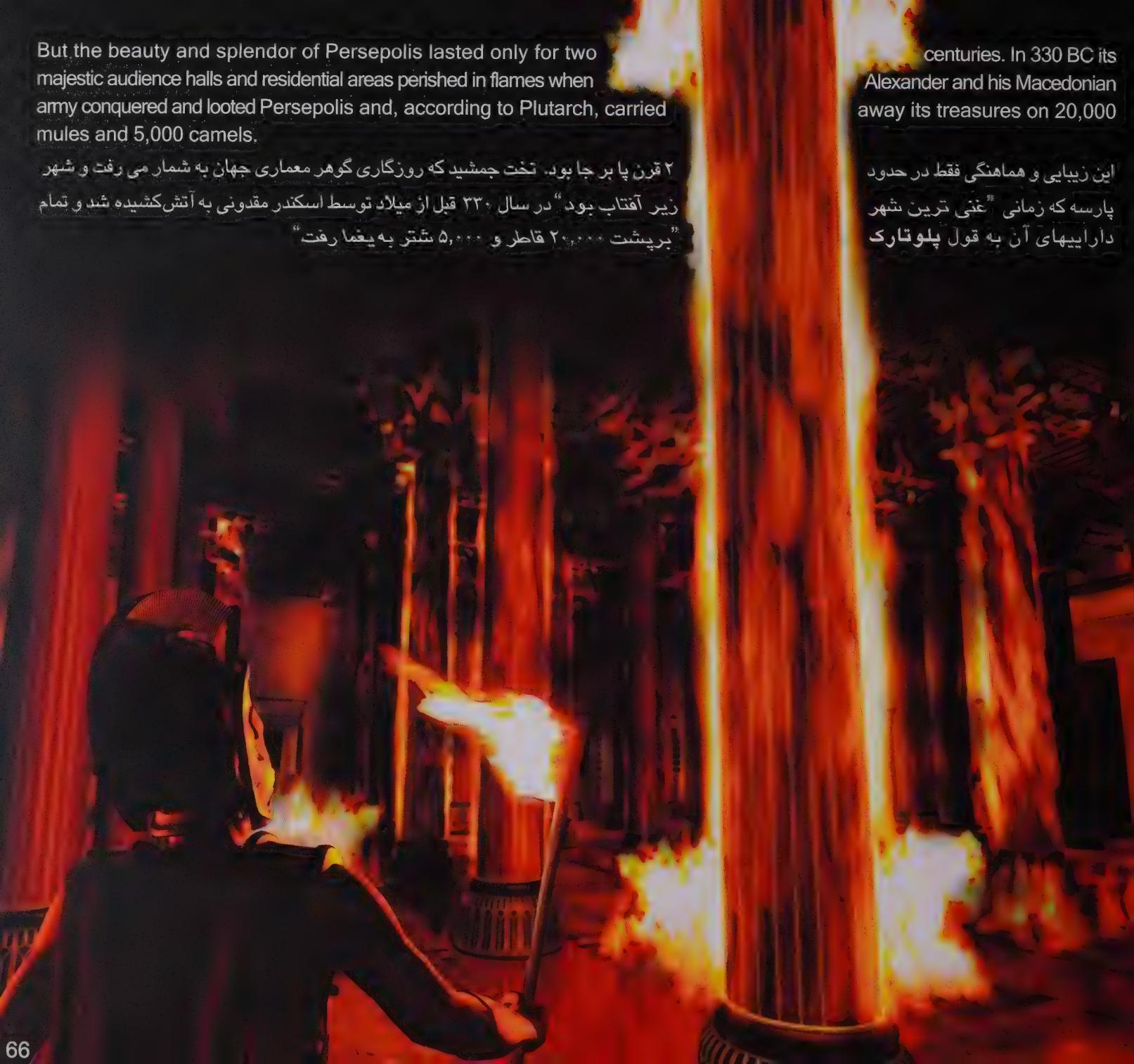




**Prof. Remi Boucharlat**, National Center of Scientific Research, France:  
*"In terms of beauty, it's difficult to find the right word. It is a kind of architectural symphony. Everything is built to fit with one another. For example, several buildings of various sizes are set on terraces with different levels to make all together a very beautiful and harmonized picture."*



پروفسور رمی بوشارلا، باستان‌شناس و عضو مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه برای بیان زیبایی محت جمیعت و ازه مناسبی همی توان یافت، کوئی که یک سمفونی معماری در آن برپاست. هر بخش به گونه‌ای طراحی و ساخته شده تا با دیگر بخشها کاملاً هماهنگی داشته باشد. اندازه‌ها، ارتفاع‌ها و سطوح ساختمانها به گونه‌ای است که یک تصویر کلی زیبا و هماهنگ را بوجود آورده‌اند.



But the beauty and splendor of Persepolis lasted only for two majestic audience halls and residential areas perished in flames when army conquered and looted Persepolis and, according to Plutarch, carried mules and 5,000 camels.

۲ قرن پا پر جا بود. تخت جمشید که روزگاری گوهر معماری جهان به شمار می رفت و شهر زیر آفتاب بود، در سال ۳۳۰ قبل از میلاد توسط اسکندر مقدونی به آتش کشیده شد و تمام "بریشت ۲۰,۰۰۰ قاطر و ۵,۰۰۰ شتر به یغفارفت"

centuries. In 330 BC its Alexander and his Macedonian army conquered and looted Persepolis and, according to Plutarch, carried mules and 5,000 camels.

این زیبایی و هماهنگی فقط در حدود پارسه که زمانی "عنی ترین شهر داراییهای آن به قول پلوتارک

The “richest city under the sun” was no more.

پی افسرد مانند بیخ درخت  
چو گرگرد سرخ آتشین گشت خاک

نظمی کنگوی (اسکندر نامه)

سکندر در آن داوریگاه سخت  
زبس خون که گرد آمد اندر مغاک



Although the city was looted and destroyed, the legacy of the Persian Empire has endured.



...و چنین بود که نام تخت جمشید با نام سارندگانش و نام ویرانگرش به تاریخ پیوست...



It is a pleasure to express our gratitude to all the individuals and institutions who generously assisted and supported us during the research and writing of this volume and the production of the film. Our deepest appreciation goes to:

Dr. Abdolmajid Arfaee  
 Dr. Joan Aruz  
 Dr. Agnes Benoit  
 Dr. Vesta Sarkhosh Curtis  
 Dr. Olga M. Davidson  
 Dr. Javad Faridzadeh  
 Dr. Mohammad B. Ghahremani  
 Dr. Reza Gharib  
 Dr. Abolfazl G. Mehrabadi  
 Dr. Gene Gragg  
 Dr. Barbara Helwing  
 Dr. Robert Hillenbrand  
 Dr. Bo Lawergren  
 Dr. David Gordon Mitten  
 Dr. Mahmoud Mousavi  
 Dr. Bobak Rezaian  
 Dr. Gholamreza Rezaian  
 Dr. Gil Stein  
 Dr. Mehdi Tabeshian  
 Dr. Emily Teeter

Mohammad Beheshti  
 Mostafa Hashemi-Taba  
 Mehdi-Jamali-Bahri  
 Shahram Ghorbani  
 Naser Mirbagheri  
 Yadollah Kaboli  
 Mojtaba Kashani  
 Maziar Kazemi  
 Mehdi Lahouti  
 Souzan Naeimi  
 Ahmad F. Nikbakht  
 Akbar Ommati Shabestari  
 Mohsen Radnia  
 Shahrokh Razmjoo  
 Ali R. Rezaian  
 Manijeh Rezaian  
 Mohammad Reza Riazi  
 Hamid Shahangian  
 Morteza Soltan-Mohammad  
 Mohammad Hassan Talebian

مهندس محمد بهشتی  
 مهندس مصطفی هاشمی طبا  
 مهدی جمالی بحری  
 شهرام قربانی  
 ناصر میرباقری  
 استاد یدالله کابلی  
 زنده یاد مهندس مجتبی کاشانی  
 مازیار کاظمی  
 مهدی لاهوتی  
 سوزان نعیمی  
 احمد فرخنده نیکبخت  
 اکبر امیتی شبستری  
 مهندس محسن رادیا  
 شاهرخ رزمجو  
 مهندس علیرضا رضاییان  
 مینیژه رضاییان  
 محمد رضا ریاضی  
 حمید شاهنگیان  
 مرتضی سلطان محمد  
 مهندس محمد حسن طالبیان

دکتر عبدالمجید ارفعی  
 دکتر جون آرور  
 دکتر اگنس بنوا  
 دکتر وستا سرخوش کرتیس  
 دکتر الگا دیویدسون  
 دکتر جواد فریدزاده  
 دکتر محمد باقر قهرمانی  
 دکتر رضا قریب  
 دکتر ابوالفضل غلامی مهرآبادی  
 دکتر جین گراگ  
 دکتر باربارا هولینگ  
 دکتر رابرت هیلن براند  
 دکتر بو لاورگن  
 دکتر دیوید گوردون میتن  
 دکتر محمود موسوی  
 دکتر بابک رضاییان  
 دکتر غلامرضا رضاییان  
 دکتر گیل استاین  
 دکتر مهدی تابشیان  
 دکتر امیلی تیتر

Parsa-Pasargadae Research Foundation  
 Iranian Cultural Heritage and Tourism Organization  
 Musée du Louvre

Harvard University Art Museums  
 The Hermitage Museum, Saint Petersburg  
 The Metropolitan Museum of Art, New York  
 The Oriental Institute of the University of Chicago  
 Staatliche Museen zu Berlin  
 Trustees of the British Museum

پیشگذاری پارسه - پاسارگاد  
 سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور  
 موزه لوور، پاریس  
 موزه های هنری دانشگاه هاروارد، بوستون  
 موزه آر میتا، سن پترزبورگ  
 موزه هنر متروپولیتن نیویورک  
 موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو  
 موزه ملی برلین  
 هیئت امنای موزه بریتانیا، لندن

## Creators of "Persepolis Recreated"

The visual recreation of Persepolis, as it was 2500 years ago, was only made possible due to the commitments and endeavors of a dedicated team. Of the many people who worked on this project, special appreciation and gratitude is owed to Morteza Yahoo and Meysam Keshavarz-two talented artists-who made the computer-generated images of the complex and applied color to them, in order to reconstruct the glory and splendor of the Persepolitan palaces.



Morteza Yahoo

مرتضی یاهو

تجسم تخت جمشید، انجان که در ۲۵۰۰ سال پیش بوده و به تصویر کشیدن آن به سبکی نوین بدون تلاشی خستگی ناپذیر و عشق و علاقه یک تیم همفکر و همراه امکان پذیر نبود. در این میان می باشد از آقایان مرتضی یاهو و میثم کشاورز دو هنرمند جوان، با نوq و پرکار که قسمتهای مختلف تخت جمشید و مارک و شواهد موجود را بررسی نموده و با حوصله فراوان به طراحی، تزئین و رنگ آمیزی کامپیوتری آن پرداختند تا حلوه ای از شکوه دیرینه تخت جمشید را به تصویر کشند، شنکر و قرداشی نمایند.



Meysam Keshavarz

میثم کشاورز

This book is also greatly enhanced by the quality of photography it contains by Hossein Hazrati Souini, Jahanbakhsh Mehrbakhsh and Reza Hazrati Souini.



Mohsen Shariati

محسن شریعتی



Reza Hazrati

رضا حضرتی

عکس‌های چشم‌نواز کتاب نیز توسط پاران هنرمند آقایان حسین حضرتی سوینی، جهانبخش مهربخش و رضا حضرتی سوینی گرفته شده و صفحه آراییها نیز پایاری آقای محسن شریعتی انجام یافته است.



Mehrbakhsh J. Mehrbakhsh

جهانبخش مهربخش



Hossein Hazrati

حسین حضرتی

I also wish to thank Mohsen Shariati who helped us in preparing the graphic design of the book.

To the many people who assisted us in making the film and the companion volume, I offer my heart-felt gratitude.

کی از بنده چیزی به غیری رسید  
که این در نکردی به روی تو باز  
سعدی

بدینوسیله از کلیه این عزیزان و سایر سرورانی که بر داخل و خارج از کشور در تهیه این کتاب و فیلم مربوطه به شرکت طلوع ابتكارات تصویری پاری رساندند، قرداشی و سپاسگزاری می نمایم  
امیدوارم که به یاری حق درهای جدیدی به روی ما باز گردد تا در آینده‌ای تزدیک بتوانیم کارهای مشابهی در مورد سایر آثار بی همتای فرهنگی کشورمان را ایران دوستان و علاقمندان، تقدیم نماییم

که از حق نه توفیق چیزی رسید  
کیت فهم بودی نشیب و فرار

**Farzin Rezaeian** is award-winning documentary and educational film producer and director. He studied sociology, political science and communications at University of Illinois in Chicago.

For the past twenty years he has researched and written for many educational and documentary films that he has produced or directed at Sunrise Film Productions. "Persepolis Recreated" is his most recent production.

فرزین رضاییان تحصیلات خود را در رشته های جامعه شناسی، علوم سیاسی و ارتباطات در دانشگاه ایلی نویز (شیکاگو) به پایان برده است.

وی ظرف بیست سال گذشته، پژوهش، نگارش متن و کارگردانی فیلمهای گوناگون مستند و آموزشی را در گروه هنری طلوع بر عهده داشته است که برخی از آنها جوایز داخلی یا بین المللی را به خود اختصاص داده اند.



بزودی: مجموعه فیلم و کتاب

# هفت رُزخ ایران



Coming soon from the same producer:

**Iran**

**Seven Faces of a Civilization**

An illuminating documentary and companion book about six thousand years of Persia's mesmerizing civilization, art and culture.

نقش ما ایرانیان در شکل گیری تمدن بشری چه بوده است؟

جواب را از زبان بیش از ۵۰ دانشمند و ایرانشناس مشهور در گوش و کار دنیا بشنوید و شاهد تصاویری جذاب و دیدنی از شاهکارهای هنری ایران در سراسر کشور و موزه های بزرگ جهان باشید.

مرکز فروش: خانه فرهنگ و هنر گویا

[www.sunrisefilmco.com](http://www.sunrisefilmco.com)









ISBN 964064525-7



9 789640 645253

[info@sunrisefilmco.com](mailto:info@sunrisefilmco.com)

شرکت طلوع ابتكارات تصويری  
تهران، ايران

Sunrise Visual Innovations Ltd.  
Toronto, Canada